

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

گشتی در مسائل زنان از نگاه شاعران معاصر فارسی و عربی

۱- علی اکبر احمدی - ۲ زهرا جلیلیان

۱- استادیار گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور- ایران

۲- دانش آموخته کارشناس ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه پیام نور- ایران

Emil: aliakbar.ah@pnu.ac.ir

Emil: zahra.jalilian.1905@gmail.com

چکیده

زن در جامعه‌ی بشری و از ابتدای تاریخ تاکنون، شریک زندگی مرد، تلقی می‌شود و بخش وسیعی از اندیشه‌ها، احساسات و عواطف مرد متوجه زن می‌باشد. در همه‌ی دوره‌های تاریخی مختلف ادبیات عربی و ادبیات فارسی، تصویری از زن در قالب شعر و نثر ادبی دیده می‌شود. از این رهگذر از شاعران برجسته ادبیات معاصر عرب می‌توان به نزار قبانی، معروف الرصافی، نازک- الملائکه، سعاد الصباح، حافظ ابراهیم، احمد شوقی، فدوی طوقان و فوزیه ابوخالد اشاره کرد؛ و در ادبیات معاصر فارسی به شاعرانی چون پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، ملک الشعرای بهار، عارف قزوینی، ایرج میرزا و ابوالقاسم لاهوتی استناد جست. حال با عنایت به این امر که در راستای آن در بُعد سنتی به ویژگی‌های یک زن به عنوان مادر و همسر که شامل پایداری، مهربانی و شفقت، عفت و پاکدامنی و ... پرداخته شده است و به موازات آن در بررسی سیمای مدرن، این مسأله در اشعار هر یک از شاعران مذکور ادبیات عربی و فارسی تبیین شده است که زن با کسب علم و دانش و داشتن اصالت فکر و اندیشه‌ای وسیع، در ایفای همان نقش‌ها می‌تواند مؤثرتر باشد، به طوری که رابطه‌ی او با همسرش مبتنی بر تعامل و همکاری است، نه فرمانبرداری مطلق و نیز حقوق تضییع‌شده‌ی خود را که در عصور گذشته از دست داده بود، باز می‌یابد و تساوی بین حقوق زن و مرد ایجاد می‌شود و نیز از این منظر فرزندانی را پرورش می‌دهد که می‌توانند در جامعه منشأ خدمات بزرگی باشند.

کلید واژه‌ها: شاعران معاصر عرب، شاعران معاصر فارسی، سیمای سنتی زن، سیمای مدرن زن.

مقدمه

از ابتدای قرن بیستم در دو جامعه‌ی عرب و فارس زبان تلاش‌هایی در جهت ارائه‌ی بنیانی نو، به منظور ایجاد ارزش و موقعیت زن و مرد ایجاد شد. در این میان تعدادی از شاعران و نویسندگان نیز در رویکردی جدید و با درکی درست و منطقی از این رویداد، حضور عنصر فیزیکی و متافیزیکی زن را تجربه نمودند. از جمله این شاعران در ادبیات معاصر عرب، نزار قبانی، معروف الرصافی، نازک الملائکه، سعاد الصباح، حافظ ابراهیم، احمد شوقی، فدوی طوقان و فوزیه ابوخالد است و در ادبیات معاصر فارسی پروین

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اعتصامی، فروغ فرخزاد، طاهره صفارزاده، سیمین بهبهانی، ملک الشعرا بهار، عارف قزوینی و ابوالقاسم لاهوتی می‌باشد که سعی در درک جدید و روشنفکرانه‌ای از سیمای زن داشتند، و افق‌های تازه‌ای را در هنر و ادبیات باز کردند.

با ایجاد تغییرات سیاسی و اجتماعی در جوامع عربی در عصر نهضت و نیز در انقلاب مشروطه ایران و پس از آن، نگرش جامعه به مسائل اجتماعی و سیاسی و غیره، متحول کرد. یکی از این مسائل زنان و حقوق اجتماعی آن‌ها بود. تعاریف سنتی از مفهوم زن که در باورهای فرهنگی و سنت ریشه داشت، دگرگون شد و منجر به شکل‌گیری سیمای مدرن زن شد؛ اما در پی آن میان زن سنتی و مدرن شکافی به وجود آمد؛ در این میان لازم بود با تبیین‌های درست و قابل قبول، تلفیقی میان این دو دیدگاه و روش، به وجود آید تا اختلاف این دو را از میان بردارد؛ لذا شاعران مذکور در عرصه‌ی ادبیات عربی و فارسی، بر آن شدند تا با دیدگاه درست و واقع‌گرایانه‌ی خویش، این امر را تبیین کنند که زنان از لحاظ درک، خلاقیت، آگاهی و توانایی‌ها، با مردان متفاوت نیستند. سپس نشان دهند که زن در کنار وظایف و نقش‌های مادری و همسری که بازمانده و میراث سنت هستند، می‌توانند به سیمایی که در آن زنان روابط مردسالاری را کنترل و بسیار محدود ساخته و دیگر فرودست نیستند، دست یابند. از منظر و دیدگاه شاعران مذکور، زنان فقط از طریق آموزش و تربیت صحیح می‌توانند پیوندهای خانواده را استوارتر کرده، روابطی بر مبنای همدلی و همکاری شکل دهند و از این آگاهی برای تربیت بهتر فرزندان و ارتقاء سطح جامعه و تساوی حقوقشان با مردان به دست آورند.

حال با عنایت به موارد فوق هر یک از شاعران برجسته ادبیات معاصر عربی و فارسی، با ایجاد ارتباط و پیوند میان مؤلفه‌های سیمای سنتی و مدرن زن در اشعارشان اثبات می‌کنند که دستیابی به سیمای مدرن، عامل بازماندن از نقش‌ها و کارکردهای زن نخواهد بود که در این مقاله به بررسی دیدگاه این شاعران درباره‌ی سیمای زن در دو مرحله‌ی سنتی و مدرن، پرداخته می‌شود.

سوالات پژوهش

شالوده اصلی پژوهش حاضر مبتنی بر پاسخگویی به پرسش‌ها و مجهولاتی چند می‌باشد که در راستای آن می‌توان هدف اصلی و اساسی تحقیق را مشخص نمود.

- ۱- مسائل زن را در چه اموری می‌توان جستجو کرد؟
- ۲- مسائل سنتی و مدرن زنان در شعر شاعران معاصر عربی و فارسی حول چیست؟
- ۳- در نگرش این شاعران دستیابی زنان به مبانی دنیای مدرن چه تأثیری بر زندگی آن‌ها می‌گذارد؟

پیشینه پژوهش

تردیدی نیست که در مورد زن و تبیین مولفه‌های سیمای سنتی و مدرن زن در اشعار شاعران مختلف و نیز شاعرانی چون نازک الملائکه، نزار قبانی، معروف الرصافی، سعاد صباح، احمد شوقی، حافظ ابراهیم، پروین اعتصامی، فروغ فرخزاد و طاهره صفارزاده و ... تحقیقاتی صورت گرفته است که در نوع خود بی‌نظیر می‌باشد از جمله‌ی این تحقیقات می‌توان به مقالات و کتاب‌هایی اشاره نمود:

- ۱- مقاله «تبیین مولفه‌های هویت سنتی و مدرن زن در شعر پروین اعتصامی» از مریم صادقی‌گیوی و بهاره پرهیزکاری، به سال (۱۳۸۹)، فصلنامه علمی و پژوهشی دانشگاه آزاد واحد تهران مرکز.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۲- مقاله «زن، انزوا و آزادی در شعر پروین و فروغ» از علی‌اکبر کمالی و حسن ملکی، به سال (۱۳۸۸)، دانشگاه تهران.
- ۳- کتاب «پروین و نازک» از بتول علی‌نیا، به سال (۱۳۸۳)، انتشارات ماهرننگ.
- ۴- مقاله «بررسی تطبیقی سیمای زن در آثار احمد شاملو و نزارقبنی» از یزدان نامجو، به سال (۱۳۸۸)، دانشگاه فردوسی مشهد.
- ۵- مقاله «بررسی سیمای زن در آثار دو شاعر معاصر عراق و ایران؛ نازک الملائکه و فروغ فرخزاد» از معصومه نعمتی قزوینی و اکرم رخشنده‌نیا، به سال (۱۳۹۰)، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی دانشگاه گیلان.
- ۶- ساره تربیت (۱۳۸۹)، در مقاله «نقد فمینیستی بر غزل سیمین بهبهانی» جایگاه واقعی جنس مؤنث در اشعار سیمین و راهکارهای پیشنهادی سیمین جهت ایجاد تحولی در منزلت اجتماعی زنان مورد بررسی قرار داده است.
- ۷- طاهره سیّد رضایی (۱۳۸۹)، در مقاله «زن در شعر پروین اعتصامی، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد» موضوع زن را در اشعار این سه شاعر زن معاصر مورد مطالعه قرار داده و ذهنیت این شاعران را در این باب تبیین می‌نماید.
- ۸- مهدخت پورخالقی و حمید تقی‌آبادی (۱۳۸۹)، در مقاله «فروغ فرخزاد و سعاد الصباح در مثلث عشق، سیاست و زنانه نویسی» سعی کرده‌اند به بررسی نگاه روشنفکرانه دو شاعر که باعث ایجاد فضایی نو و اعتراض علیه نظام مردسالار شده است و در اشعارشان نمود پیدا کرده، بپردازند.
- ۹- عیسی داراب پور (۱۳۹۰)، در مقاله «جایگاه زن ایرانی در شعر معاصر» به بررسی موضوع زن و مسائل بانوان و راهکارهایی جهت احراز هویت زنان در جامعه با تکیه بر اشعار ژاله قائم‌مقامی، پروین اعتصامی و سیمین بهبهانی می‌پردازد.

۱- نگاهی به تصویر زن در شعر معاصر ایران

از زمان مشروطه و با آشنایی مختصر ایرانیان با فرهنگ غرب و اندیشه‌های مدرن، نقش و هویت زنان به عنوان یکی از کنشگران مهم اجتماعی در شعر مشروطه مورد توجه واقع شده و جایگاه درخوری یافته است. نگرش شاعران به سیمای زن در شعر دوره مشروطه تغییر کرده؛ برای اولین بار مضامین شعر این دوره به مسائل حقوقی و اجتماعی زن می‌پردازد و زن از معشوقه بودن مطلق خارج می‌شود و عقلانیت، شخصیت و انسانیت او مورد تبیین و تحلیل قرار می‌گیرد. بی‌گمان شعر معاصر، بهترین ظرف انعکاس این تحولات و برجسته‌ترین زمینه برای ردگیری و واکاوی دامنه و عمق این تغییرات محسوب می‌شود. مهم‌ترین شاخصه این تمایز از جنبه مضمونی، طرح درونمایه‌هایی از قبیل آزادی، وطن، زن، قانون و ... است. در طول تاریخ، فرهنگ مردسالارانه جامعه سنتی ایران و دیدگاه تحقیرآمیز نسبت به زنان، مجال هیچ‌گونه فعالیت‌هایی را برای زن باقی نمی‌گذاشت. تنقید به سنت‌ها و آداب و رسوم جامعه مردسالار، محدودیت فعالیت آنان به خانه‌داری و شوهرداری، از ویژگی‌های زنان در جامعه سنتی ایران بود. (بشیریه، ۱۳۷۴: ۲۹۱)

شعر و ادب فارسی نیز تحت تأثیر چنین جامعه‌ای، عمدتاً فرهنگی مردم‌محور و اغلب ضد زن بوده است؛ در کلیه‌ی متون نوشته شده «زن را نه به عنوان یک چهره‌ی انسانی، بلکه همچون موجودی مطیع که باید در یک سری استانداردهای مشخص جای گیرد، مطرح می‌کردند.» (احمدی خراسانی، ۱۳۸۰: ۱۱۰-۱۰۹) بدین ترتیب فرهنگ و جامعه‌ی ایرانی که به وسیله‌ی مردان

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

و برای مردان شکل گرفته بوده است، مجال تغییر در این روند و بروز و حضور به زن ایرانی را نداده است؛ به طوری که تا پیش از انقلاب مشروطه، زن در دایره‌ی محدود سنت تعریف می‌شد، اما پس از آن با تغییر نگرش‌های اجتماعی و سیاسی و فرهنگی و غیره، نگاه به زن هم تغییر یافت، او دیگر با دیدگاه‌های سنتی تعریف نمی‌شد؛ سیمای زن تغییر کرده و سیمای مدرن او شکل گرفت. سیمای انسان به معنای ابعاد متشکله‌ی انسانی است «هویت، یعنی آگاهی از خود و ویژگی‌های مشترک در زمینه‌هایی مانند طبقات اجتماعی، مذهب، قومیت و جنسیت.» (مصفا، ۱۳۸۳: ۲۱۳)

انقلاب مشروطه در ابعاد گوناگون حیات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی منشأ تحولات و تغییراتی در جامعه‌ی ایران گردید. (اکبری بیدق، ۱۳۷۹: ۶۷) در اثر گسترش نوگرایی و نوسازی در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، به ویژه افزایش سطح تحصیلات و اشتغال، نقش‌های زنان نیز در اجتماع و خانواده دگرگون شد و آن‌ها را از چارچوب خانه به عرصه‌ی فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی وارد کرد. آنان با حضور در عرصه‌های فرهنگی و اجتماعی، از نقش منفعل و ناکارآمد خود در خانه بیرون آمده و برای رسیدن به آزادی و تساوی حقوق زن و مرد کوشش‌هایی را در دو بُعد آغاز کردند: ابتدا از طریق تأسیس مدارس دخترانه و تأسیس روزنامه و چاپ مقالات، سپس از طریق حقوقی و سیاسی؛ یعنی تلاش در جهت تغییر قوانین از طریق تشکیل انجمن‌ها. (زاهدی، ۱۳۸۴: ۹۹-۱۰۰) با این حال «برخی از گروه‌های محافظه‌کار با جنبش اصلاحات تربیت مخالفت کردند و ضمن محکوم شمردن مؤسسات فرهنگی، این بنیادهای نو را مغایر سنت‌های پیشین دانستند.» (آفاری، ۱۳۷۷: ۳۱) در حالی که زنان در به ثمر رساندن انقلاب مشروطه نقشی بس سترگ را ایفا کرده بودند، در سال ۱۳۲۹ هجری قمری در کنار اطفال و اتباع بیگانه از انتخاب شدن و حتی انتخاب کردن نمایندگان مجلس محروم شدند. (دل‌ریش، ۱۳۷۶: ۱۷۷) اما به رغم مخالفت‌ها و کارشکنی‌ها، جنبش‌ها و فعالیت‌های اجتماعی برای رفع ستم اجتماعی و تبعیض جنسیتی، ادامه یافت.

۲- زن در شعر معاصر عربی

در اکثر جوامع عربی، سیمای سنتی، نخستین صورتی است که برای زن در نظر گرفته می‌شود و باورها و اعتقاداتی بی‌اساس درباره زنان در بین عامه مردم به وجود آورد که متأسفانه در ادبیات و هنر نیز رخنه کرد. همین موضوع، موجب شد برخی از شاعران و نویسندگان این سیما را در آثار خود به تصویر بکشند که در این سیما بر پابندی و وفاداری و قبول ارزش‌های مبتنی بر سنت معنا می‌یابد. حال با عنایت بدین امر می‌توان زن را موجودی دانست که فعالیتش تنها محدود به خانه می‌شود و در جامعه و فعالیت‌های اجتماعی آن حضوری ندارد و سعی می‌کند وظایف خود را به عنوان مادر و همسر به خوبی ایفا کند.

۳- موضوعات معمول و کهن زنان

زن در احکام قرآن و حدیث جایگاهی والا دارد تا بدان جا که وی را نه خدمتگذار و ریحانه معرفی می‌کند « **إِنَّ الْمَرْأَةَ رِيحَانَةٌ وَ لَيْسَتْ بِقَهْرْمَانَةٍ** »، اسلام از ابتدای پیدایش خود، زن را از بند اسارت، قبیلگی و جهالت رهاوند و او را صاحب اختیار و تشخیص گرداند. زن در این دین، پایگاهی اجتماعی دارد اما بعدها به دنبال سلطه جویی‌ها، کشورگشایی‌ها و ستمگری حاکمان و والیان، برخی از آموزه‌های اسلامی دچار دگرگونی شد. در این میان، حقوقی که اسلام برای زن قائل بود نیز به تدریج از او سلب شد و اختیارات زنان روی به محدودیت نهاد.

۱-۳-مهربانی و عطوفت

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

قرآن کریم، تصریح می‌کنند که زن تنها وسیله‌ای برای ارضای تمایلات جنسی نیست و مقام زن را به جهت برقراری آرامش و ثبات در کانون خانواده و حفظ حیات نوع بشر ارج می‌نهند.

«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْتَبِرُونَ.» (مریم: ۲۱)

(از جنس خودتان جفتی آفریدم که به وسیله او آرامش و سکون یابید و روابط شما را بر پایه عطوفت و مهربانی قرار دادم.)
حلاوت زندگی زناشویی و حصول آرامش روحی مبتنی بر توافق‌های اخلاقی و هماهنگی زوجین در امور مربوط به خانواده می‌باشد در این کانون مرد به جهت آنکه بار زندگی و تأمین معاش خانواده را بر دوش دارد در بعضی موارد فاقد آرامش و سکوت است و از آنجا که خداوند تشکیل خانواده را براساس مهر و محبت و رسیدن آرامش و سکون اعضای آن مقرر نموده بنابراین زن باید در اضطرابها و تنشهای روحی مرد نقش تسکین دهنده را ایفا کند و بر درد مرد که عدم آرامش است مرهم سکون نهد.
نزار قبانی نیز در اشعار خود این بخش از وجود هر زنی را مدنظر داشته است و به مهم‌ترین این ویژگی‌ها و مؤلفه‌های سنتی پرداخته است. وی در اشعار زیر مهربانی و عطوفت مادرانه را به عنوان یکی از مؤلفه‌های سیمای سنتی وصف می‌نماید؛ او در این راستا در اشعار و آثار خود چه به صورت مستقیم و چه به صورت غیرمستقیم از مادرش به عنوان الگو و نمونه‌ی یک زن ایده‌آل یاد می‌کند؛ چرا که بر این عقیده است که مادر او راهی را ادامه می‌دهد که زنان سنتی رفته‌اند و آن مهر و محبت و عطوفت مادرانه است که هر مادری با عمق دل و جان نثار فرزندش می‌نماید.

عَرَفْتُ نِسَاءَ أوروبَّا/عَرَفْتُ عَوَاطِفَ الإِسْمَنْتِ وَ الخَشْبِ/عَرَفْتُ حِضْرَةَ التَّعَبِ/وَ طِفْتَ الهِنْدِ، طِفْتُ السِّنْدِ، طِفْتُ الْعَالَمِ الْأَصْفَرِ/وَ لَمْ أَعْتُرْ.../عَلَى امْرَأَةٍ تَمْشِطُ شِعْرِي الْأَشْقَرِ/وَ تَحْمِلُ فِي حَقِيبَتِهَا إِلَيَّ عِرَائِسَ السَّكْرِ/وَ تَكْسُونِي إِذَا أَعْرَى/وَ تَنْشِلْنِي إِذَا أَعْتُرْ/أَيَا أُمِّي .. أَنَا الْوَلَدُ الَّذِي أَبْحَرُ../وَ لَزَالَتْ بِخَاطِرِهِ تَعِيشَ عَرُوسَهُ السَّكْرِ/فَكَيْفَ.. فَكَيْفَ.. يَا أُمِّي/عَدُوتُ أَبَا.. وَ لَمْ أَكْبُرْ؟ (قبانی، ۱۹۹۵: ۵۳۰)

(زنان اروپا را شناختم.../احساس سیمان و چوب را شناختم/تمدن خستگی را شناختم/هند و سند را گشتم، دنیای زرد بوستان را گشتم/اما نیافتم/زنی را که شانه کند موهای بور مرا/و در کیفش آب‌نبات عروسی داشته باشد/و هر وقت برهنه شدم، مرا بپوشاند.../و هر وقت پاهایم بلغزد به سرعت مرا بگیرد/ای مادرم.. من آن پسری هستم که بع دریا زد.../و هنوز در ذهنش/آب-نبات‌های عروسی زندگی می‌کند/پس چگونه.. چگونه ای مادرم/پدر شدم... ولی بزرگ نشده ام.)

نقش مادری یک زن، مهر و محبتی که او به فرزندش می‌دهد، در هر جامعه‌ای امری غیرقابل انکار است. نازک‌الملائکه در شعر «أغنية لطفلي» از لایلی مادرانه سخن می‌گوید که یک مادر برای خواباندن طفلش با زبان قابل فهم کودکانه می‌سراید؛ و این مؤلفه‌ای دیگر از سیمای سنتی زن است که نازک در اشعارش در قالب مهربانی، عطوفت و شفقت یک زن بیان کرده است.

ماما، ماما، ماما، ماما/ماما/بَرَّاقُ الخُلُو اللتغه يَنُوي النُوما/وَ النومُ وِراءَ الرَبُوهِ هَيَا حِلْمَا/وَ الحِلْمُ لَهُ اجِنْحَةُ تَرَقِي النُّجْمَا/وَ النُّجْمُ لَهُ شِفَّةٌ، وَ تَحِبُّ اللُّثْمَا/وَ اللُّثْمُ سِيوقُظُ طِفْلِي. (الملائكة، ۱۹۹۸: ۳۱۲)

(مامان، مامان، مامان، براق زیبا دهان خواب دارد./و خواب در پس تپه، رویایی می‌سازد./و رویا بالهایی دارد که به ستاره‌ها می‌رسد./و این بوسه کودکم را بیدار می‌کند.)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی دیگر از اشعاری که در همین خصوص سروده شده اشعار ذیل است.

كَفُّ الْحَنَانِ نَسِيْتُ مَلَمَسَهَا وَ فَقَدْتُ مَعْبَرَهَا عَلَى شِعْرِي
لَمْ يَبِيقَ مِنْهَا غَيْرُ أَغْنِيَةٍ جَفَّتْ مَرَارَتُهَا عَلَى صَدْرِي (همان: ۱۷۱)

لطف دست مهربانی از خاطر گرفته است و نوازش آن دست بر موهایم را گم کرده ام از آن تنها آوازه‌ای برجای مانده است که تلخی آن‌ها بر سینه ام من خشکیده است.

عشق مادری بسیار پیچیده تر از عشق میان مرد و زن است عوامل بسیاری وجود دارد که مانع عشق نورزیدن مادر به فرزند می‌شود، نخستین عامل همان اسطوره عشق مادری است که هنوز قدرتمندترین اسطوره‌هاست در اساطیر عشق و مهربانی را درآیزد بانوان تجسم می‌کردند (اینانا) ایزدبانوی عشق و زیبایی در نزد سومریان بود که این الهه همچنین با عشروت فنیقی‌ها و افرودیته یونانی‌ها نیز هویت‌یابی می‌شود (ویکی پدیا، ذیل واژه اینانا) و هرچه جامعه سنتی تر، قدرت این اسطوره بیشتر. مطمئن ترین و پایدارترین شکل عشق، عشق مادرانه است. حس ایثار و گذشتی که یک مادر نسبت به فرزند دارد تنها با ایثار دینی مقایسه می‌شود و آن حسی است که پارسایان و مؤمنان حقیقی نسبت به خدایشان دارند و در یک کلام زن به همان شکل فرزندش را پرستش می‌کند که پارسایان خدا را.

به طور کلی عاطفه و محبت در زن بیش از مردان و در یک مادر از دیگر زنانی که هنوز حس مادری را تجربه نکرده‌اند به مراتب بالاتر است زیرا «دوست داشتن محور زندگانی زن بوده و به گفته روانشناسان، محبت جزء اصلی از زندگانی مرد و تمامی اجزای زندگانی زن است» (فرهمند، ۱۳۸۷ش: ۱۲۵)

از دید سعاد صباح، معشوق نوزادی است که مادر او را نه ماه در شکم حمل کرده و تنها طناب ناف، پیوند مخفی همبستگی میان آن دو بوده و فقط این پیوند به این رابطه شکل انسانی و عمیق بخشیده است:

إِنِّي أَحْمَلُكَ فِي دَاخِلِي / كَأَمْرَأَةٍ فِي شَهْرَهَا التَّاسِعِ / فَكَيْفَ أَتَخَلَّصُ مِنْكَ؟ / كَيْفَ أَقْطَعُ حَبْلَ مَشِيمَتِي
مَعَكَ / وَ أَنْتَ مَشْتَبِكُ كَكْرَةَ الصَّوْفِ / بِأَحْلَامِي وَ رَغْبَاتِي وَ جِهَازِي الْعَصْبِي؟ / كَيْفَ أَتُرَكُّ عَلَى قَارِعَةِ
الطَّرِيقِ / تَحْتَ التَّلْجِ وَ الْمَطَرِ وَ الْأَعَاصِيرِ / وَ أَنْتَ أَوَّلُ طِفْلٍ وُلِدْتُهُ .. / وَ آخِرُ طِفْلٍ سَوْفَ أَلِدُهُ؟ (الصباح (أ) ۲۰۰۵م: ۴۹)

من تو را در درون خودم حمل می‌کنم / همچون زنی که در ماه نهم خود است / پس چگونه از تو رهایی یابم؟ / چگونه رشته جفتم با تو را قطع کنم / در حالیکه تو مانند کلاف پشمین به دورم، / به آرزوها، امیال و دستگاه عصبی‌ام پیچیده‌ای؟ / چگونه تو را در سر چهار راه / در زیر برف و باران و گردبادها رها کنم / در حالیکه تو اولین کودکی هستی که زاییده‌ام... / و آخرین طفلی که او را خواهم زایید.

یکی از ویژگی‌های ممتاز زنان که سیمایی انسانی و رحمانی به آنها بخشیده است، شأن و منزلت مادری است. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«وَ وَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا وَ وَضَعَتْهُ كُرْهًا وَ حَمَلُهُ وَفِصَالُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا...»

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«ما به انسان توصیه کردیم که به پدر و مادرش نیکی کند، مادرش او را با ناراحتی حمل می‌کند و با ناراحتی بر زمین می‌گذارد و دوران حمل و از شیر باز گرفتنش سی ماه است.» (احقاف، ۱۵)

نتیجه این که، یک زن، نقش عظیمی در ایجاد آرامش و محبت در زندگی و نقش پرورش و تربیت صحیح فرزندان در مسیر الهی، می‌تواند داشته باشد. به خاطر همین است که اسلام تأکید بر ماندن زن در جایگاه عظیم انسانی‌اش دارد.

مهر و محبت مادرانه اصیل‌ترین و به رسمیت شناخته شده‌ترین عاطفه زنانه است که فرهنگ مرد سالار نیز همواره آن را ستایش کرده و اعتبار زبان در طول تاریخ به واسطه این عاطفه به رسمیت شناخته شده است. (سلدن، ۲۵۵:۳۸۴). وانگهی از نظر روان‌شناسان «وقتی زن در عشق نسبت به شوهرش شکست بخورد سعی می‌کند فرزندی را که ثمره آن عشق است با محبت کامل دوست بدارد و از این راه هم خود را سرگرم کند و هم ناکامی گذشته را جبران کند.» (کله دان، ۴۸:۱۳۷۱)

شفقت و مهربانی یکی از مؤلفه‌های رایج در خصوص سیمای سنتی زن در اشعار شاعران ایران‌زمین می‌باشد. زن موجب ایجاد آرامش، انس و شفقت در خانواده است و می‌تواند کانون خانواده را گرم و لبریز از مهر و محبت کند، زیرا زنان از دیدگاه پروین، روح زندگی هستند.

در آن سرای که زن نیست، انس و شفقت نیست در آن وجود که دل مرده، مرد است روان

(اعتصامی، ۱۳۸۳: ۱۹۴)

زنان در عین مقاومت و پایداری در برابر مشکلات، جریانی از عشق و دوستی را در جامعه و جهان جاری می‌سازند.

چو مهر، گر که نمی‌تافت زن به کوه وجود داشت گوهری عشق، گوهر اندرکان

(همان: ۱۹۴)

یکی از مؤلفه‌های بسیار ارزشمند و مهم در شعر فروغ احساس مهربانی و شفقت مادری مهربان است؛ احساس رنج یک مادر به هنگام بیماری کودکش در شعر زیر پیداست تا حدی که دعا می‌کند بمیرد اما کودکش رنج نکشد.

طفلی غنوده در بر من بیمار با گونه‌های سرخ تـب آلوده

با گیسوان درهم آشفته تا نیمه شب ز درد نیاسوده

هر دم میان پنجه من می‌لرزد انگشت‌های لاغر و تب‌دارش

من ناله می‌کنم که خداوندا جانم بگیر و کم بده آزارش (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۷۴)

ملک الشعراء بهار، زن را در اشعارش کسی می‌داند که در درجه اول باید همسری عقیف و مهربان برای شوهرش باشد و سپس مادری دلسوز برای فرزندان تا بتواند فرزندان سالم و مؤدب تربیت نماید.

خانم آن نیست که جانانه و دلبر باشد خانم آن است که باب دل شوهر باشد

بهبترست از زن مه طلعت همسر آ زن زشتی که جگر گوشه همسر باشد (بهار، ۱۳۸۸: ۳۱۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

طاهره صفارزاده نیز در بیان این مؤلفه، گاه به خاطر شرایط بد سیاسی و عدم وجود آزادی بیان، گفتار نمادین را برمی‌گزیند. در مجموعه اشعار وی بسیار با چنین اشعاری روبه‌رو می‌شویم. برای نمونه در یکی از اشعارش، از زن با نماد زمین و خاک یاد می‌کند.

زمین در اساطیر دیگر یک کره خاکی نیست که صورتی خدایی دارد ایزد بانوی است مقدس که سرچشمه زندگانی اوست نماد زاینگی، باروری و جاودانگی است پاک و بی آلیش. و صورتی زنانه دارد همچون زن و سیمای این دو در اساطیر با هم آمیخته می‌شود زن زمین می‌شود و زمین زن، زن می‌زاید و زمین را بارور می‌سازد و خود زمین نیز جهان را بارور می‌کند، به بیانی دیگر زن می‌آید و بچه به دنیا می‌آورد و زمین نی منشأ حیوانات و کشتزارهاست و رود ها، زن فرزندان خود را پرورش می‌دهد و می‌بالاند و زمین طبیعت و خاک را و در نهایت در تجربه‌ی زاینده‌ی و پرورندگی همانند هم می‌گردند و قدرت جاودانه‌ی خویش را نثار دیگری می‌کنند.

صفارزاده نیز بر آن بوده تا وجه پرورندگی مادر و زمین را در سروده‌هایش از یاد نبرد و آن‌ها را با این دو عنصر طبیعت غنا ببخشد و به تعالی برساند. در بند پایانی شعر «دو بال شناور» به بازآفرینی اسطوره‌ی زمین (خاک) پرداخته و زمین را با سیمای زنانه زنده کرده است. سیمای خاک همچون مادری پرورنده، شاعر را در آغوش می‌گیرد و سختی‌ها و ناملایمات را از او می‌زداید.

سیمای خاک/در حرکت زمینی خود/بدور سرم می‌گردد. (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۵۴)

صفارزاده با بیانی نمادین بار دیگر مهر مادری و آغوش گرم مادر را ملجأ و تنها پناهگاه آدمی عنوان می‌کند. این ویژگی «کل شیء یرجع الی اصله» نیز در شعر «سیب‌های سر زده از خاک» یافت می‌شود. صفارزاده بر این بوده که سیب‌های سرزده از خاک، دوباره بر خاک می‌افتند؛ به عبارتی هر دو ولادتی، مرگی را به دنبال دارد. همه چیز به اصل (مادر) خود بازمی‌گردد. سیب در اصل از خاک آمده و دوباره به خاک بازمی‌گردد، نوعی ظهور پیوسته که در نهایت به صورت یگانه در می‌آید.

سیب از درخت می‌افتد/سیب از درخت می‌افتد/آن‌ها (ماه، ستاره، خورشید و آسمان) فرو نمی‌افتند/جاذبه‌ی خاک/برای سیب‌های درخت خاکی است/برای سیب‌های سرزده از خاک. (همان: ۶۹)

مادری از اصیل‌ترین عواطف زنانه به شمار می‌رود. مادر در موقعیتی قرار می‌گیرد که سرمایه‌اش فرزندان او هستند. یعنی در واقع کسب موقعیت مادری او را به چنین ثروتی نائل می‌کند. زن با مادر شدن می‌تواند به آنچه سرمایه وجودی و ثروت اوست دست یابد. در شعر معاصر، زن موجودی است بسیار ارجمند و بسیاری از شاعران معاصر در اشعار خود به ستایش و قدردانی از مادر پرداخته‌اند. یکی از زیباترین شعرها شعر مشهور «ایرج میرزا» است که از شاهکارهای ادبی او به حساب می‌آید.

دستم بگرفت و پا به پا برد تا شیوه‌ی راه رفتن آموخت
یک حرف و دو حرف بر زبانم الفاظ نهاد و گفتن آموخت

پس هستی من ز هستی اوست تا هستم و هست دارمش دوست (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۱۲۱)

زنی که در شعر شاملو به شکل‌های مختلف ظهور می‌کند، اغلب همان مادر است. در واقع، وابستگی شاعر به زن، وابستگی-اش به مادری دلسوز است که نخست تأیید کننده اوست و وی را راهنمایی و حمایت می‌کند. برای شاملو عشق با مادر تعریف

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

می‌شود و تا پایان هم شکل مادرانه دارد. مادر در تمام سروده‌ها حضور دارد و حضورش مایه دلگرمی شاعر است. وقتی مادر این شاعر که یکی از الهام بخشان شعرش است، از دنیا می‌رود، شاعر او را مسیحا صدا می‌زند و با خودش زمزمه می‌کند: «مُرد دل‌بند تو مُرد!»

آه تنها همه جا از تکِ تاریکِ فراموشی کور / سوی من داد آواز / پاسخی کوتاه و سرد / «مُرد دل‌بند تو مُرد» / ... / با همه چشم، تو را می‌جویم / با همه شوق، تو را می‌خواهم / زیر لب باز تو را می‌خوانم / دائم آهسته به نام / ای مسیحا! / اینک / مرده‌ای در دل تابوت تکان می‌خورد آرام آرام! (شاملو، ۱۳۸۰: ۱۸۱)

۲-۳- عفت و پاکدامنی

عایشه تیموری اعتقاد به حجاب و عفاف را در اشعار خود منعکس کرده است. عایشه که خود زنی صاحب فضیلت و مقید به رعایت حجاب بود (زیاده، ۱۹۸۳م: ۷۴)، دیوانش را با توصیه به حفظ حجاب و پاکدامنی آغاز کرده و می‌گوید:

بِيدِ الْعِفَافِ أَصُونُ عِزِّ حِجَابِي وَ يَعْصِمُنِي أَسْمُو عَلَي أْتْرَابِي
وَ بِفِكْرَةٍ وَ قَادَةٍ وَ قَرِيحَةٍ نَقَادَةٌ قَدْ كَمَلَتْ أَدَابِي
وَ لَقَدْ نَطَمْتُ الشَّعْرَ شَيْمَةً مَعَشِرٍ قَبْلِي ذَوَاتِ الْخِدْرِ وَشِ الْأَحْسَابِ (تیمور، ۱۸۸۶م: ۳)

- با دست عفاف و پاکدامنی، عزت و حرمت حجابم را حفظ می‌کنم، و با عصمت و آبرویم، بر همگانم برتری می‌جویم.
- ادب و تربیت من در سایه اندیشه روشن و قریحه تیزبین، به مرز کمال رسیده است.
- من نیز مانند زنان عقیف و با اصل و نسب پیش از خود به سرودن شعر پرداختم.
شاعر بهره حقیقی انسان از زندگی را، در گرو عفت و پاکدامنی دانسته، و خوشبختی از نظر او با اخلاق نیکو و پسندیده معنا می‌یابد، که حجاب نیز از جمله آن‌ها است:

مَا الْحِظُّ إِلَّا امْتِلَاكُ الْمَرْءِ عِفَّتَهُ وَ مَا السَّعَادَةُ إِلَّا حُسْنُ اخْلَاقٍ (همان: ۵۹)

- بهره آدمی از زندگی، در حفظ عفت و پاکدامنی اوست؛ و خوشبختی تنها در داشتن اخلاق نیکوست.
پروین اعتصامی برای زن، عفت و پاکدامنی، شجاعت، راستگویی و درست‌کرداری را می‌پسندد و در تلاش است با این نگرش، زنان روزگار خویش و آیندگان را بیدار و بینا کند. اندرز پروین به طبقه‌ی خاصی تعلق ندارد، او راه دانش و تلاش را به زن توصیه می‌کند و رهایی از نادانی و بی‌قیدی را پیش پای او می‌نهد. (علی‌نیا، ۱۳۸۳: ۱۳۸) این شاعر جوان حجاب و پوشش را برای زن قید و بند نمی‌داند و هرگز موافق بی‌بندوباری نبوده است.

کسی است زنده که از فضل، جامه‌ای پوشد نه آنکه هیچ نیرزد، اگر شود عریان (اعتصامی، ۱۳۸۳: ۱۹۶)

از نظر او، زن نگهبان گنجی به نام عفت است، لذا باید از آن خوب محافظت کند.

زن چو گنجور است و عفت گنج و حرص و آز وای اگر آگه ز آیین نگهبانی نبود (همان: ۱۴۵)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

پروین هیچ‌گاه از نجابت، تقوا و شرف که لازمه‌ی انسانیت است، دور نشده و در تلاش است زن ایرانی را از آن‌گونه که شایسته است، پرورش دهد و با ارزش‌های معنوی آشنا سازد. او برخلاف تفکر بسیاری از روشنفکران، به اعتقادات دینی و خانواده پایبند بود، از این رو راه‌حل‌های او نیز با نیازها و روحیات زن ایرانی و در عین حال مسلمان سازگار بود، چرا که شخصیت و اندیشه‌ی پروین از عناصر فرهنگ اسلامی و سنت‌های ایرانی ترکیب شده است.

عفت یکی دیگر از مؤلفه‌هایی است که فروغ آن را مایه‌ی سعادت زن می‌داند و می‌گوید جهیزیه و کالای ادبی زندگی زن و مرد همانا عشق است و اگر جز این باشد تجارت و سوداگری است و تجارت هرگز با مقام مهرورزی و عاشقی نمی‌سازد.

خوش آن همسر نیک‌روی عقیف/ که باشد همایونش از صدق فال/ جهیز زن و مرد عشق است و بس/ تجارت دیگر مهر و دیگر مقال/ بود نوشدار لب لعل نام/ اگر بود با هم کمال و جمال/ فتوت بود رمز مردانگی/ دگر حسن خلق و فروغ کمال. (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۲۲۶)

از دیگر اشعار فروغ در این باره:

**بهر مرد از پاک‌طینت همسری
روز حاجت نیست بهتر یاوری
زن اگر ز آرم دل‌روشن بود
کوکب اقبال آن مرد، زن بود (همان: ۱۱۷)**

طاهره صفارزاده نیز با تکریم جایگاه مقدس زنان در خانواده و با تکیه بر خصائص مقدسه چون طهارت و پاکی زنان در اجتماع کوچک خانواده اشاره می‌کند. اینک او در بخشی از شعر «طلوع» مادر بزرگ خانواده را در پیوند با آب، زندگی، پاکی و زاینده‌گی به تصویر می‌کشد.

طلوع/ آمدن روز بود/ وقت شکر نعمت/ همه‌می غسل مادر بزرگ/ دو رکعت نماز قضا/ مضاف لشکریان.
(صفارزاده، ۱۳۸۶: ۵۷)

۳-۳- پایداری و مقاومت

در زمینه زن و دفاع و مقاومت و پایداری، شواهد و قرائن تاریخی فراوان وجود دارد. در تاریخ جنگ‌های عصر پیامبر (ص) نام زنانی که همراه ایشان در پیکارها شرکت می‌کردند، ثبت شده است. آنها به میزان توانایی و رشد خویش در ابعاد مختلف سعی در حمایت از اسلام و رهبری نمودند. حضور زنان در جنگ‌های خندق، خیبر، فتح مکه، غزه حنین، جنگ تبوک، در دوران حضرت علی (ع) و همچنین نقش مؤثر آنها در نهضت کربلا و دوران پس از امام حسین (ع)، گوشه‌ای از مشارکت همه جانبه آنها در صحنه‌های دفاع از اسلام و ارزش‌های الهی است. (منصوری لاریجانی، ۱۳۷۶)

دفاع از ارزش‌های ملی و فرهنگی به همراه ایستادگی و مقابله در برابر متجاوز، از وظایفی است که اسلام بر دوش مردان و زنان نهاده و زنان نیز در طول تاریخ، همواره شانه به شانه مردان به این مهم توجه نموده‌اند. از طرفی، رویکرد زنان به هنر و مسائل اجتماعی و ادبی به جهت اینکه آفرینش برای زنان تماماً متفاوت از آفرینش مردان است، جدای از رویکرد مردان به این مسائل است. از سوی دیگر، اگرچه ادبیات جنگ مربوط به میدان جنگ است و بیشتر نمودی مردانه دارد؛ ولی نقش زنان در آن،

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

انکارناپذیر و آشکار است و باید اقرار نمود که زنان پیوسته در تمام عرصه‌های سیاسی و اجتماعی با مردان مشارکت داشته‌اند و همراه آنان به مقاومت و پایداری پرداخته‌اند.

در ابیات ذیل، قبانی برای نشان دادن روحیه‌ی پایداری و مقاومت در وجود زنان به عنوان یکی از مؤلفه‌های سیمای سنتی، چنین شعری را سروده است؛ چرا که او همواره خصلت پایداری و مقاومت زنان را در تمام عرصه‌ها می‌ستاید، به‌ویژه در میدان نبرد به نقش و حضور پرشور زنان اشاره می‌کند.

وَضَعِي طَرْحَةَ الْعُرُوسِ .. لِأَجْلِ / إِنَّ مَهْرَ الْمَنَاضِلَاتِ ثَمِينٌ. (قبانی، ۱۹۹۵: ۴۴۰)

(به خاطر من، جامه عروس بیوشان / که مهریه زنان مبارز، ارزشمند و پربهاست.)

از دیگر اشعار زیبا و دل‌نشینی که نزار قبانی در این عرصه سروده است و در آن یکی از مشخصه‌های زن جامعه‌ی سنتی را به تصویر می‌کشد، شعری است که او برای سرزمین فلسطین می‌سراید. قبانی در سرایش خویش نهایت پایداری و مقاومت یک زن را تحسین می‌کند؛ زنی که با روحیه‌ی مقاومت‌طلبانه و پایداری بی‌حد و حصر خود، کودکان و جوانان را کشته شده به خاک می‌سپارد. نزار قبانی با سرایش این اشعار می‌خواهد به صراحت عنوان کند که روحیه‌ی امید در سرزمین‌های اشغالی حتی در وجود زنان و مادران زنده است.

نِسَاؤُنَا / يَرْسَمْنَ أَحْزَانَ فِلَسْطِينَ عَلَى دَمْعِ الشَّجَرِ / يَقْبِرْنَ أَطْفَالَ فِلَسْطِينَ / بوجدانِ الْبَشَرِ / نِسَاؤُنَا / يَحْمِلْنَ
احجارَ فِلَسْطِينَ / إِلَى أَرْضِ الْقَمَرِ. (همان: ۱۷۹)

(زنان ما/اندوه فلسطین را بر اشک درختان می‌نگارند/کودکان فلسطین را در نهاد بشریت به خاک می‌سپارند/زنان ما/پاره سنگ‌های فلسطین را/به کره ماه می‌برند.)

همان‌گونه که در ابیات ذیل نمایان است معروف الرصافی نیز چنین مقاومت و ایستادگی زنان را به تصویر می‌کشد. همسرمداری، وفاداری به او، دوشادوش بودن زن در تمامی عرصه‌های زندگی، مقاومت و ایستادگی از جمله مؤلفاتی است که شاعر با هنرمندی خاص و دقتی ناب و با نگرشی موشکافانه به حلاجی و پردازش این امور پرداخته است. در این ابیات علاوه بر تکریم جایگاه زن در خانواده، به برجسته‌سازی شأن و مقام ایشان در چشم عوام، تلاش شده است.

وَقَدْ كَانَتْ نِسَاءَ الْقَوْمِ قِدْمًا يَرْحُنُ إِلَى الْحُرُوبِ مَعَ الْغَزَاةِ
يَكُنْ لَهُمْ عَلَى الْأَعْدَاءِ عَوْنًا وَ يَضْمِدْنَ الْجُرُوحَ الدَامِيَاتِ
كُم مَنهِنَ فِي الْحَرْبِ أُسْرِنَ وَ ذَقْنَ عَذَابَ الْهَيُونَ فِي أَسْرِ الْعَدَاةِ (الرصافی، ۱۹۹۹: ۱۳۳)

در گذشته، زنان قبیله با مردان مبارز به جنگ می‌رفته‌اند.

در کنار آنان و در برابر دشمنان ایستاده و زخم‌ها را مرهم می‌نهادند.

چه بسیار زنان زیادی که در این جنگ‌ها اسیر شدند و رنج خواری و اسارت را از دشمنان چشیدند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اینک نازک‌الملائکه را می‌بینیم که در خلال جستجوی سیمای زن سنتی سروده‌هایش، استقامت و پایداری زنان را به تصویر می‌کشد، او در این ترسیم بیانگر ایستادگی زن در هنگام وقوع حادثه می‌شود و حس رشادت و مقاومت زن را می‌ستاید.

قَالَتْ نَهَزْتَنِي الْمَقُولَةَ مِثْلَمَا
وَبُهِرْتُ بِالْأَمِّ الْعَظِيمَةِ مُعْجَبًا
يَهْتَزُّ عُصْنُ فِي الرِّيحِ وَيَجْمَدُ
وَ أَخَذْتُ أَنْظِمُ مَا أَقُولُ وَ أَنْشِدُ (الملائكة، ۱۹۹۸: ۱۹۹)

همچنان که شاخه‌های درختان در بادها می‌لرزند و خشک می‌شود، این گفته نیز همان حالت را به من می‌دهد. و حیران و شیفته‌ی بزرگی و عظمت مادر شده‌ام و شروع کرده‌ام به نوشتن و گفتن و سرودن. در نظر فدوی طوقان «زن» سمبل مقاومت و پایداری است. شاعر برای تقویت روحیه شهامت و ایثار در جان مجاهدان و وطنش فراوان از این نماد بهره می‌گیرد. وی در چکامه زیبای «حمزه» وطن خود را به زنی تشبیه می‌کند که ملتی مجاهد را به دنیا آورده است (طوقان، ۱۹۹۳: ۴۱۸)

هَذِهِ الْأَرْضُ إِمْرَأَةٌ
فِي الْأَخَادِيدِ وَ الْأَرْحَامِ
سِرُّ الْخَصْبِ وَاحِدٌ
قُوَّةُ السِّرِّ الَّتِي تُنْبِتُ نَخْلًا وَ سَنَايِلَ
تُنْبِتُ الشَّعْبَ الْمُقَاتِلَ

(این سرزمین هم‌چون زنی در درون شکاف‌ها و رحم‌هاست. راز باروری یکی است؛ این راز است که نخل‌ها، خوشه‌های کندم و ملتی مبارز را به بار می‌آورد.)

به طور کلی در آثار فدوی زن به عنوان نماد شجاعت و استقامت به کار رفته است. شاعر در قصیده «الفدائی و الأرض» در قالب گفتگویی میان شهید «مازن ابوغزاله» و مادرش تصویر تصویر زنی شجاع را به نمایش می‌گذارد که با افتخار فرزندش را به مسلخ عشق و ایثار و نبرد با اهریمنان فرومایه روانه می‌سازد (همان، ۳۹۰)

يَا وَلَدِي إِذْهَبْ!
وَ حَوِّطْتَهُ أُمُّهُ بِسُورَتِي قُرْآنِ
إِذْهَبْ!
وَ عَوِّدْتَهُ بِاسْمِ اللَّهِ وَالْفُرْقَانِ

(فرزندم برو! و مادر او را با دو سوره از قرآن بدرقه کرد. برو! و با نام خداوند و قرآن برایش دعا کرد) حضور طیف گسترده‌ای از زنان در پشت جبهه در هشت سال دفاع مقدس از افتخارات بانوان ما در جنگ تحمیلی است. آنها اگر در خط مقدم حضور چندانی نداشتند، سربازان گمنامی بودند که در تمامی عرصه‌ها حضوری فعال داشتند بدون اینکه نامی از آنان برده شود. حتی پس از جنگ نیز کمتر به نقش سازنده و حساس بانوان در پیروزی عظیم دلاورمردان اسلام بر کفر جهانی پرداخته شده است.

زنان در هشت سال دفاع مقدس به واسطه‌ی داشتن فرهنگ اسلامی و با تأثیرپذیری از الگوهایی همچون حضرت زهرا (س) و حضرت زینب (س) در همه‌ی صحنه‌های اجتماعی و فرهنگی حضور داشتند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«سلمان هراتی» که از پیشکسوتان شعر پایداری است و خود به چشم خویشتن صحنه‌های دل انگیز حضور شورآفرینان را در پشت جبهه مشاهده کرده است، نقش زنان در پشت جبهه را این گونه به تصویر میکشد:

او کنار تنور داغ

با «سیب گل» و «فاطمه»، نان میبزد

برای بچه‌های جبهه

او در جبهه هست

با بچه‌ها فشنگ خالی می‌کند (هراتی، ۱۳۶۸: ۹۸-۹۹)

شاعر نقش زن در پشت جبهه را همان قدر با اهمیت می‌داند که نقش رزمندگان در خط مقدم را. از منظر او هر عدد نانی که این شیرزن به تنور می‌زند به مانند گلوله‌ای است که به سوی دشمن متجاوز شلیک می‌کند.

۴-۳- نگاه جنسی و ابزاری به زن

در نظام‌ها و جوامع مرد سالار زن به دلیل اینکه جنس دوم محسوب می‌شود و هویت مستقلی ندارد، صرفاً به عنوان خشنود کننده مرد به شمار می‌آید و در ارتباط با جنس مذکر هویت می‌یابد.

این نقش‌های کلیشه‌ای که بر ساخته‌های سنت مذکر و مردسالارند، از زن تصویری منفعل، آسیب پذیر و وابسته ارائه می‌کنند که موجودیتش در ارتباط با جنس مذکر شناخته می‌شود. این تلقی، زن را تا حدّ یک ابژه جنسی تقلیل می‌دهد. (ر.ک: گرین و لیبهان، ۱۳۸۳: ۳۳۴) این شووالتر در این باره می‌نویسد: «اگر نقش‌های قالبی شخصیت‌های زن در آثار ادبی، یا جنسیت‌گرایی منتقدان مرد، یا نقش محدود زنان در تاریخ ادبیات را بررسی کنیم هیچ چیز راجع به احساسات و تجربیات زنان در نمی‌یابیم بلکه فقط می‌فهمیم که به زعم مردان، زنان چگونه باید باشند.» (شووالتر، ۱۹۸۸: ۲۶۹ به نقل از: پاینده، ۱۳۸۲: ۱۴۳)

یک از عرصه‌هایی که نه تنها از نگاه جنسیتی به زن عاری نیست، حتی نگاه جنسیتی به زن در آن به وفور یافت می‌شود عرصه شعر است، البته این نوع نگاه در ادبیات معاصر به مراتب کمتر و متعادل تر از ادبیات کهن است؛ اما شعر معاصر نیز از این نگاه مبرا نمی‌باشد.

«خلیل حاوی»، شاعر معاصر لبنانی از شاعرانی است که در جای جای اشعارش - و شاید در زندگی شخصی‌اش هم - دید و نگرش بسیار منفی و سیاهی به زن دارد. نگاه او به زن به قدری خشک و خشن و بی رحمانه است که زن را مظهر انحراف و ابتذال و حتی دلیل احتقار تمدن می‌داند. (دکتر حمود محمد العبد، ۱۹۹۶: ۳۲۵)

با توغّل در دیوان او به تصاویر بسیاری از زنان فاسد، شهوتران، بدکاره و خیانت پیشه برمی‌خوریم. گویی شاعر به هیچ وجه از طرح تصاویر تکراری، تاریک و منفی از زن خسته نمی‌شود. از دید او زن، گناه، شهوت، افعی همه یک چیز واحد هستند و هیچ تفاوتی میان آن‌ها وجود ندارد. او از زن نفرت دارد؛ از این رو، تمام توان هنری‌اش را به کار می‌گیرد تا زن را در بدترین و شهوانی‌ترین حالت به تصویر کشد. (همان: ۳۲۵)

فی ضفة المستنقع البهیج

اراک تمتص عصیر العفن المعجون بالوحول

رائحة الاثنی التي تئن عیناه لمن تراه

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- کنار مرداب خرم و آراسته

- تو را می بینم که عصاره عفونت آمیخته با گل و لای را می مکی

- بوی زنی که چشمانش برای کسی که او را نگاه می کند، ناله سر می دهد. (حاوی خلیل، ۱۹۷۹: ۱۵۹)

از دید او تنها کاری که زن به خوبی و درستی از پس انجام آن برمی آید، ارضای نیاز جنسی است. خلیل حاوی، شاعری است که از ابتدا نگاهی سیاه و منفی به زن داشته و هیچ جای دیگری خلاف آن را ادعا نکرده است.

حسن هنرمندی شاعر و مترجم معروف ایران که طبعی توانا در شعر و ادبیات داشت، او نیز مانند بسیار دیگری از شاعران، تنها از بعد جسمی و جنسی به زن نظر دارد و در برخی از آثارش نفرت شدید خود را نسبت به جنس زن به گونه ای ناپسند و زشت ابراز می کند و زن را مورد نکوهش قرار می دهد:

من نیز چون خدا که ز زن دیده برگرفت پرسد کس از خدا که تو بی زن چگونه ای هر زن که آفریده من بود و شعر من شد خواستار نغمه ز لبهای من ولی جز در خیال من که بهشت من است و بس بس روی دل فریب که آراستم به شعر در شعر من شکفت اگر خنده ای شکفت	دیری است دیده ز رخ زن برگرفته ام همچون خدای، شیوه دیگر گرفته ام از من رمید و خفت در آغوش دیگری لب بر نهاد بر لب خاموش دیگری دیگر زنی نمانده که لب بر لبم نهد سوگند می خورم که زنی آن چنان نبود لبخند دلربای زنی هرگز آن نبود
---	--

(هنرمندی، ۱۳۳۷: ۱۳۶-۱۳۵)

فریدون توللی نیز از جمله شاعرانی است که نوعی نگرش جنسیتی به زن داشته و این نوع نگاه به خوبی در شعرش آشکار است. شعر توللی آئینه توهمات و پندارها و هوس بازی های اوست. توللی نخواستگاری است قدمی از دنیای محدود مادی و شخصی خود فراتر بگذارد و همه آمال و آرزوهای خود را در هوس هایی گناه آلود جست و جو می کند و چون بدان دست نمی یابد سرخورده و مأیوس و وحشت زده است.

عشق های گناه آلود، لذت های جسمانی، کامروایی و کام جویی گویی تمام وجود شاعر را در خود غرق کرده است. با این همه از همسر آزرده خود پوزش می طلبد و ارتکاب گناه جنسی را بر گردن هنر می اندازد:

بر من ای همسر آزرده ببخشای که درد/می شکافد دلم از یاد پریشانی تو/ هر زمان تشنه آغوش
نگاری دگر است/ ناتراشیده به هم درشکند پیکر مهر/ که نه بر گونه دلخواه و پسند هنر است /
می کشی ناله در آن خلوت سرد از سر مهر / که نزیبد به چنین خانه دگر بند شدن/ گر فروباردش از طبع
روان آب حیات/ مرگ باشد زن و معشوق هنرمند شدن/ باورت نیست که یاد تو به هر حال و دیار/ شبچراغ
دل گمراه و پشیمان من است/ بر من ای همسر آزرده ببخشای چو موج/ مرگ من، بازپسین چاره طغیان
من است (توللی، ۱۳۴۱: ۱۷۴)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

۴- موضوعات جدید و مدرن زن

ادبیات عرب که در عصر انحطاط راکد شده بود، با ظهور عصر نهضت در همه زمینه‌ها متحول شد. عصر نهضت (عصر معاصر) با حمله ناپلئون به مصر (۱۹۸۷م) و به دنبال رویارویی متقابل سیاسی-فرهنگی غرب و شرق (به ویژه در لبنان و مصر) پدید آمد. (فاخوری، ۱۴۲۲: ۳۲۹)

به دنبال این تحولات اجتماعی در جامعه عربی، کم‌کم مسائل و موضوع‌های جدیدی چون ملی‌گرایی، میهن‌دوستی، آزادی از بند استعمار، لزوم تعلیم و تربیت زنان، مشارکت زنان در جامعه، مسأله حجاب زن و ... به وجود آمد و بازتاب آن‌ها در ادبیات عرب پدیدار شد.

در نیمه دوم قرن نوزدهم، دیدگاه‌های جدیدی درباره مسائل اجتماعی پدید آمد و متجددان، مسائل اجتماعی را با مباحث دینی درآمیختند و ندای رهایی از رسوم و تقلید کورکورانه را سردادند. در این دوره زنان، به دلیل اجتهادهای دینی نو، برای نخستین بار به دفاع از خود برخاستند و البته محتاطانه گام برداشتند. برخی زنان، در برابر این جریان ایستادند و در کنار طیف‌های گسترده‌ای از مردان سنتی، با مشارکت سیاسی و اجتماعی زنان مخالفت کردند. در همین دوره بود که مجله‌های زنان انتشار فراوان یافت از دیگر دستاوردهای نواندیشی دینی در این دوره، دفاع شاعران از حقوق زن بود. (عباسی، ۱۳۸۵: ۲۳۵) یکی از موضوع‌های مهم این دوره، کشف حجاب زن بود؛ چرا که برخی از اندیشمندان عرب بر این باور بودند که زنان باید همچون مردان در امور اجتماعی شرکت کنند و حجاب مانع این حضور است، ولی جرأت بیان نظر خود را نداشتند؛ زیرا حجاب مفهوم عمیقی بود که ریشه در باورهای دینی مردم داشت و مقابله با آن کار ساده‌ای نبود.

نخستین کسی که ندای آزادی زنان را آشکارا سر داد، قاسم امین بود. شهرت او به خاطر حمایتش از زنان و مقاله‌هایی است که در این باره نوشته است. دعوت قاسم امین به بی‌حجابی در اولین مقالاتش به چشم نمی‌خورد، بلکه او خواهان پیشرفت و ترقی جامعه مصری بر اساس فرهنگ و تمدن اسلامی است.

افزون بر صد سال پیش، جریان‌هایی روشنفکری در کشورهای رو به توسعه اسلامی به ویژه مصر و ایران، شکل گرفت که پشتیبانی از حقوق زنان به عنوان نیمی از نیروهای خفته انسانی را ضمن شعارهای اصلاح طلبانه خود مطرح می‌کردند. این خیزش فکری - اجتماعی که در مصر، مسیر خود را با شعارهای کم‌چالشی چون: توصیه به آموزش زنان و تربیت دختران، آغاز کرده بود، به تدریج پا را فراتر می‌نهد و طنین صدایش را هرچه رساتر در گوش نیمه شنوای جامعه می‌افکند، به طوری که در دهه پایانی قرن نوزدهم، موضوع زن و دفاع از حقوق اجتماعی وی، زینت بخش و رونق آفرین محفلصاحبان ذوق و نظر و باریک اندیشان عرصه اخلاق و اجتماع بود. کتاب «تحریر المرأة» نوشته قاسم امین، نقطه عطفی در نگاه نهضت اصلاح طلبی به شمار می‌آید. این کتاب اثرگذار به زودی به زبان فارسی نیز ترجمه شد و در نوع نگاه روشنفکران ایرانی تأثیر نهاد.

سیمای زن مدرن با بروز تعاریف جدید از بنیان‌ها و مبانی زندگی، شکل گرفت؛ یعنی زمانی که جای انسان در جهان، رابطه‌ی او با طبیعت و زمان، و انسان‌های دیگر دگرگون شد؛ این زن، زنی تحصیلکرده که سعی دارد همچون مردان در فعالیت‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی حضور داشته باشد. او صاحب ویژگی‌هایی از قبیل استقلال، خوداتکایی و همچنین تحصیلات است و نگاه غیرجنسیتی به خود دارد، در نتیجه رابطه‌ی او با همسرش به جای اطاعت، رابطه‌ی همکاری و تعامل می‌شود. بر همین اساس است که اکثر شاعرانی که در جوامع خود می‌زیسته‌اند در اشعارشان به نوعی خواهان شکل‌گیری زن مدرن و تحولاتی در

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نقش و کارکرد زنان در زمینه‌های فرهنگی و اجتماعی، اقتصادی و اخلاقی هستند؛ این شاعران در زمینه فرهنگی و اجتماعی از زنان می‌خواهند که از تقلید پرهیز کنند و توان خود را در زمینه آموختن علم و دانش صرف کنند. در مورد مسائل اخلاقی، خواستار بیداری و روشن‌رأیی زنان جامعه خویش هستند و در مورد مسائل اقتصادی، دعوت‌کننده‌ی زنان به ساده‌زیستی و بومی‌گرایی می‌باشند.

۱-۴- همراهی و همدلی

نزار قبانی برای آنکه سیمای مدرن یک زن را در قالب همراهی و همدلی صمیمانه‌اش در اشعارش نشان دهد، از همسر خویش به نام «بلقیس» سخن می‌گوید. او اولین شعر زیر را یک سال بعد از مرگ همسرش، که در حادثه منفجر شدن سفارت عراق در بیروت در سال ۱۹۸۱ م شهید شده بود، سروده است.

تصویری که قبانی از بلقیس در این شعر ارائه می‌دهد، تصویری زنی است که همواره، همراه و همدل شاعر بوده است؛ چرا قبانی از وی خاطرات خوبی دارد و این امر نشان می‌دهد که بلقیس در کنار قبانی همراهی همیشگی بوده است که شاعر از آن چنین به خوبی یاد می‌کند.

بلقیس/ کانت اجمال الملکات فی بابل/ بلقیس/ کانت أطول النخلات فی أرض العراق/ کانت إذا
تمشی/ تراقفها طواویس. (قبانی، ۱۹۹۵: ۱۰۳)

بلقیس/ زیباترین شاهزاده‌ی بابل بود/ بلقیس/ بلندترین نخل‌های عراق بود/ هر وقت راه می‌رفت/ طواووس‌ها همراهی‌اش می‌کردند.

نمونه‌ای دیگر از اشعار نزار قبانی در همین خصوص:

أیاهُ امرأةٌ تمسکُ القلبَ بینَ یدیهما/ سألتُکِ باللهِ لا تترکینی... لا تترکینی/ فما أکونَ أنا إذا لم تكونَ.
(همان: ۲۲۶)

(ای زنی که قلبم را بین دستانت قرار می‌دهی و لمس می‌کنی/ تو را به خدا قسم می‌دهم مرا تنها نگذار- مرا تنها نگذار/ که من چیزی نیستم، من هیچ نیستم، اگر تو در پیشم نباشی.)

همراهی و همدلی زن در کنار مرد نیز یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن زن در سروده‌های نازک می‌باشد. او نقش زن در خانواده را می‌ستاید و او را همراه و یاری‌رسان مرد و مایه‌ی آرامش برای فرزندان می‌داند. (الملائکه، ۱۹۹۸: ۱۶۱)

فإنما هی لأبناءِ مدرسهٌ و إنما هی للأباءِ معوانٌ
و إنما هی للمفجوعِ تعزیهٌ و إنما هی للمحزونِ سلوانٌ

زن برای فرزندان‌ش همچون مدرسه و برای همسر خود، یاری‌رسان است.

زن مایه‌ی آرامش خانواده در برابر مصائب و اندوه‌هاست.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

یکی دیگر از مولفه‌های سیمای مدرن در اشعار پروین همراهی و همدلی زنان می‌باشد؛ پروین دیدگاه‌های گذشته را درباره‌ی زن مردود می‌شمارد و برای زن و مرد، نقش تفکیکی قائل نمی‌شود؛ او مردان آن روزگار را مورد خطاب قرار می‌دهد که خود را برتر از زنان نپندارند و در ادامه از جوهر بایسته و متعالی زن در ایجاد تکامل و امنیت خاطر، سخن به میان می‌آورد.

به روزگار سلامت، رفیق و یار شفیق به روز اسلحه، تیمار خوار و پشتیبان (همان: ۱۹۵)

شاعر، همراهی و همدلی را شرط اصلی ادامه حیات و زندگی سالم می‌داند و می‌خواهد «که نظام امن جهان بر پایه همگرایی، همراهی و همدلی زن و مرد استوار باشد.» (مصفا، ۱۳۸۳: ۴۲)

همراهی و همدلی در اشعار فرخزاد نیز تجلی چشم‌گیری یافته است، به گونه‌ای که یکی از اشعار فروغ فرخزاد در همین معنا و مفهوم سروده شده است که شاعر زن را به تفاهم و همدلی و همنوایی با همسر فرا می‌خواند و این عمل را مایه‌ی پایداری حیات خانوادگی می‌داند.

نیست دریای تلون را کنار/ از بهانه دور کن دل زینهار/ گوش بر حرف بهانه جو مده/ کو بود همسر مر او
را رو مده. (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۲۷۱)

در گوشه‌ای دیگر از اشعار صفارزاده با ابیاتی روبه‌رو می‌شویم که وی سیمای مدرن یک زن را در همراهی و همدلی با مرد می‌داند و چنین می‌سراید:

ای مرد/ یار بوده‌ام و یاورت شدم/ و شیرین‌ترت شدم/ بی من نبود اوج فلک سینه‌سای تو/ که بال و پرت شدم. (صفارزاده، ۱۳۸۶: ۴۸)

۲-۴- تعلیم و تربیت

تعلیم و تربیت زنان، یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن زن می‌باشد که در این راستا به بررسی آن خواهیم پرداخت. در خصوص این مسأله باید بگوییم، اگر جامعه‌ای بخواهد اصلاح دائمی و دنباله‌روی داشته باشد، باید از تربیت زنان شروع کند؛ چرا که تعلیم و تربیت باعث می‌شود تا زنان انسان‌های درایت‌مند و با اراده باشند. برای اصلاح مرد، تربیت زن واجب و لازم است و برای بیداری کامل ملت‌ها و اُمّت‌ها و وسیله‌ی دیگری غیر از تربیت زن نیست، چون او همیشه در خانه و خانواده و وطن حضور دارد و جدا از آن نیست. بر همین اساس نزار قبانی با عنایت بدین مسأله، ارزش زن و مرد را یکسان می‌داند و عقیده دارد که در آموزش و تعلیم زنان باید جدیت به خرج داده شود؛ چرا که اساس تمدن و پیشرفت را زنان می‌دانند.

إِنَّمَا الْمَرْأَةُ وَالْمَرْءُ سَوَاءٌ فِي الْجِدَارَةِ عَلِّمُوا الْمَرْأَةَ، فَالْمَرْأَةُ عِنَاوَانِ الْحَضَارَةِ (قبانی، ۱۹۹۵: ۲۱۴)

(زن و مرد در ارزش‌های انسانی یکسان هستند پس در آموزش آنان جدیت به خرج دهید، چرا که اساس تمدن و پیشرفت زنانند.)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

نزار قبانی در این ابیات زن را به عنوان مادر، مربی و آموزش‌دهنده معرفی می‌کند. در این شعر «کتاب داستان» همان افکار و عقایدی است که یک زن به کودکش از ابتدای زندگی تعلیم می‌دهد. کتابی که در هر دورانی برای انسان ضروری است که نکته‌های آن را بخواند و به یاد داشته باشد.

کتابُ یَدِیکَ/یوزعُ خَبْرُ الثَّقَافَةِ کُلُّ نَهَارٍ/عَلَى الْجَائِعِينَ.../و یُعْطَى دُرُوسَ الْمُحَبَّةِ لِلْعَاشِقِینَ/و یلمع کالنجم، فی عتمه الضائعین. (همان: ۳۷۶)

(کتاب داستان تو/هر روز نان فرهنگ پخش می‌کند/بر گرسنگان/و به عاشقان درس مهرورزی می‌دهد/و در تاریک‌نای گمگشتگان چون ستاره می‌درخشد.)

تأکید بر علم‌آموزی زنان یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن نزد معروف رصافی می‌باشد؛ شاعر از میان مؤلفه‌های سیمای مدرن، بیش از هر چیزی به این مؤلفه توجه و عنایت بیشتری نشان می‌دهد و آن را در اولویت می‌داند.

بیشتر روشنفکران آزاداندیش جامعه‌ی آن روز عرب، علت عقب‌ماندگی کشورهايشان را در دور نگه‌داشتن زنان از عرصه‌ی علم و دانش جستجو می‌کردند. آشنایی این قشر با جوامع غربی و فرهنگ حاکم بر آن جوامع، آنان را بر این حقیقت آگاه کرد که زن نیمه‌ی دوم بلامنازع جامعه‌ی انسانی است؛ لذا باید پا به پای مرد در عرصه‌ی علم و دانش گام بردار تا مقصود اصلی، که تکامل جامعه است، حاصل شود. رصافی نیز، که خود را شاعری روشنفکر می‌دانست به این امر توجه، و زن را عضو اصلی جامعه معرفی کرد و بر لزوم تعلیم و تربیت آن همت گمارد. (حصاوی، ۱۳۷۷: ۹۸)

هَلْ يَعْلَمُ الشَّرْقِيُّ أَنْ يَاتَهُ
وَقَضَى لَهَا بِالْحَقِّ دُونَ تَحَكُّمٍ
فَالشَّرْقِيُّ لَيْسَ بِنَاهِضٍ إِلَّا إِذَا
تَعَلَّمُوا إِذَا رَبَّتِ الْبَنَاتُ وَ هَدَبَا
فِيهَا وَ عَالَمَهَا الْعُلُومَ وَ أَدْبَا
أَدْنَى النِّسَاءِ مِنَ الرِّجَالِ وَ قَرَّبَا (رصافی، ۱۹۹۹: ۴۷)

- آیا انسان شرقی می‌داند رشد حیاتش در تربیت دختران است؟
- او باید حقوق دختران را بدون تحکم بپذیرد و او را علم بیاموزد.
- شرق پیشرفت نمی‌کند مگر اینکه زنان به جایگاه و منزلت مردان نزدیک شوند.
یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن زن نزد نازک‌الملائکه، اختصاص به نقش زن در جامعه می‌باشد؛ نازک معتقد است زن در بنیان خانواده از یک سو و آبادانی جامعه از سوی دیگر نقشی بارز و اساسی ایفا می‌کند که اگر به‌درستی آموزش نیبند آبادانی در جامعه حاصل نمی‌شود. (الملائکه، ۱۹۹۸: ۱۶۱)

لِلْمَرْأَةِ فَضْلٌ فِي الْعِمْرَانِ نَشْهَدُهُ
لَا يَرْفَعُ الشَّعْبَ مِنْ أَعْمَاقٍ وَهَدِهِ
لَوْ لَا تَقَدَّمُهَا مَاتَمَّ عِمْرَانُ
إِلَّا رِجَالٌ أَوْلُوا الْعِزْمَ وَ نَسْوَانُ

در آبادانی کشور، زن نقش مهمی ایفا می‌کند، به گونه‌ای که اگر زمینه برای رشد او فراهم نشود، آبادانی کشور به طور کامل انجام نمی‌گیرد.

تنها مردان و زنان با اراده می‌توانند جامعه را از سقوط نجات دهند.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

حافظ ابراهیم (۱۳۵۱-۱۳۷۸هـ) نیز تعلیم و تربیت زنان را امری مهم و اجتناب ناپذیر می‌شمارد. وی در قصیده «مدرسه البنات» دیدگاه خود را درباره زن بیان می‌کند و علت عقب ماندگی شرق از غرب را ناآگاهی زنان و تربیت ناصحیح آنان می‌داند.

مَنْ لِي بِتَرْبِيَةِ النِّسَاءِ فَإِنَّهَا فِي الشَّرْقِ عَلَيْهِ ذَلِكَ الْإِخْفَاقُ (ابراهیم، ۱۹۹۸: ۱۱۲)

حال ممکن است این پرسش به ذهن خطور کند که علت عقب‌ماندگی شرق چه ارتباطی به ناآگاهی زنان جامعه دارد؟ شاعر خود به روشنی پاسخ این پرسش را می‌دهد و می‌گوید:

الْأُمُّ مَدْرَسُهُ إِذَا أَعَدَّتْهَا
الْأُمُّ رَوْضُ إِنْ تَعَهَّدَهُ الْحَيَا
الْأُمُّ أَسْتَاذُ الْأَسَاتِذَةِ الْأَلَى
أَعَدَّتْ شَعْبًا طَيِّبَ الْأَعْرَاقِ
بِالرَّيِّ أَوْ رِقَّ أَيُّمَا إِبْرَاقِ
شَغَلَتْ مَأْتَرَهُمْ مَدَى الْأَفَاقِ (همان: ۱۱۸)

بنابراین او جایگاه زن در جامعه را به خوبی تبیین می‌کند و بر این باور است که آموزش و تربیت زنان در جامعه نخستین و ضروری‌ترین گام برای رسیدن به پیشرفت و ترقی است؛ زیرا اگر دختران و زنان امروز که مادران فردای جامعه‌اند به خوبی تربیت شوند و علم و ارزش‌های اخلاقی در آن‌ها نهادینه شود، در آینده جامعه‌ای متعهد خواهیم داشت. شاعر، این مسئله را با تشبیهی ملموس به خوبی روشن می‌سازد و می‌گوید: همان‌گونه که باغ برای دادن محصول خوب و پربار، نیاز به مراقبت و نگهداری و آبیاری دارد، زن نیز در صورتی که آموزش صحیح ببیند، نتایج درخشانی را برای جامعه به ارمغان می‌آورد. او منزلت و جایگاه زن را بسیار بلند و والا ترسیم می‌کند و معتقد است مادر، اولین استاد استادانی است که فضایل ایشان سراسر آفاق را فراگرفته است.

احمد شوقی (۱۳۵۱-۱۳۸۵هـ) از شاعرانی است که جایگاه زن را در جامعه با ارزش می‌داند و بر این باور است که تربیت زنان در رشد و شکوفایی جامعه نقش مهم و مؤثری دارد، همان‌گونه که ناآگاهی ایشان ریشه بسیاری از مشکلات است. او در قصیده «العلم و التعليم و واجب المعلم» می‌گوید:

وَ إِذَا النِّسَاءُ نَشَأْنَ فِي أُمَّيَهٗ
لَيْسَ الْيَتِيمُ مِّنْ إِنْتَهَى أَبَوَاهُ مِّنْ
إِنَّ الْيَتِيمَ هُوَ الَّذِي تَلْقَى لَهُ
رَضَعَ الرَّجَالُ جَهَالَهُ وَ خُمُولَهُ
هَمَّ الْحَيَاةِ وَ خَلْفَاهُ ذَلِيلًا
أَمَّا تَخَلَّتْ، أَوْ أَبَا مَسْغُولًا (شوقی، ۱۳۲۸هـ: ۶۸)

یعنی؛ زمانی که زنان در جهل و بی‌فرهنگی رشد کنند، فرزندان‌شان نیز در جهل و نادانی پرورش می‌یابند. یتیم کسی نیست که پدر و مادرش را از دست داده است، بلکه یتیم واقعی کسی است که مادرش او را رها ساخته و به تربیتش نپرداخته و پدرش نیز سرگرم امور مادی است و از فرزندش غافل است.

و در قصیده‌ای دیگر با عنوان «مصر تجدد نفسها بنسائها المتجددات» بر لزوم تعلیم زنان و اقتدا به دین مبین اسلام اشاره می‌کند و معتقد است پیامبر اکرم (ص) هرگز حقوق زنان را نادیده نگرفته و تمدن بزرگ اسلامی نیز شاهد جایگاه رفیع زنان در عرصه علم و فرهنگ بوده است.

خُذْ بِالْكِتَابِ، وَ بِالْحَدِيدِ
وَ إِرْجِعْ إِلَى سُنَنِ الْخَلِيلِ
هَذَا رَسُولُ اللَّهِ، لَمْ
الْعِلْمُ كَانَ شَرِيعَةً
ث، وَ سِيرَةَ السَّشَلْفَى الثِّقَاتِ
قَه، وَ إِتْبَعَ نُظْمَ الْحَيَاةِ
يَنْقُصُ حَقُوقَ الْمُؤْمِنَاتِ
لِنِسَائِهِ الْمُتَفَقِّهَاتِ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

رُضْنِ التِّجَارَةِ وَ السِّيا
وَ لَقَدْ عَلتْ بِنَاتِهِ
وَ حِضْرَةُ الْإِسْلَامِ تَن
سَهَّ، وَ الشُّنُونُ الْأَخْرِيَاتِ
لُجَجُ الْعُلُومِ الزَّاحِرَاتِ
سَطِقُ عَنْ مَكَانِ الْمُسْلِمَاتِ (همان: ۱۶۳)

عائشه تیموری (۱۲۸۹-۱۲۵۶هـ) از دیگر شاعران این دوره است که در شعرهایش همواره بر لزوم تعلیم و تربیت زنان همراه با حجاب و عفاف تأکید می‌کند. او از پیشگامان نهضت بیداری زنان است. او معتقد است حجاب و عفاف باعث عزت زن است و داشتن حجاب کامل، از رشد زن جلوگیری نمی‌کند و ادب و تربیت، نه فقط آسیبی به منزلت زن نمی‌رساند، بلکه به رشد و شکوفایی بیشتر او کمک می‌کند. او در این باره در قصیده‌ای به نام «بَيْدِ الْعَفَافِ أُصُونُ عِزِّ حِجَابِي» می‌سراید:

بَيْدِ الْعَفَافِ أُصُونُ عِزِّ حِجَابِي
وَ بِفِكْرَةٍ وَقَادَةٌ وَ قَرِيحَةٌ
مَا ضَرَّتْني أَدْبِي وَ حُسْنُ تَعَلُّمِي
مَا عَاقَبَنِي حَجَلِي عَنِ الْعَلْيَا وَ لَا
عَنْ طَيِّ مِضْمَارِ الرَّهَانِ إِذَا إِشْتَكَّتْ
وَ بَعِصْمَتِي أُسْمُو عَلِي أْتْرَابِي
نُقَادَةٌ قَدْ كَمَلْتِ أَدَابِي
أَلَّا يَكُونِي زَهْرَةً الْأَلْبَابِ
سَدَلِ الْخِمَارِ بِلَمَّتِي وَ نِقَابِي
صَعَبَ السِّيَاقِ مَطَامِحُ الرَّكَّابِ (تیموری، ۱۳۰۳: ۸۹)

کسب نمودن علم و دانش از سوی زنان یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن است که پروین اعتصامی در این مورد چنین می‌سراید. (اعتصامی، ۱۳۸۳: ۱۴۴)

بهر زن، تقلید تیه فتنه و چاه بلاست زیرک آن زن، کوره‌ش این راه ظلمانی نبود

از نظر پروین، اگر زنان ایرانی در جامعه مانند مردان از جایگاه مناسبی برخوردار نیستند، به خاطر آن نیست که از بهره‌ی هوشی کمتری نسبت به مردان برخوردارند، بلکه آنچه موجب شده است تا مردم جامعه، دیدگاهی نادرست نسبت به آنان داشته باشند، نظام معیوب ارزشی و مردسالار بوده است، اکنون زمان تغییر دیدگاه‌ها و نگرش‌های سیاسی و اجتماعی نسبت به زنان است؛ آنان باید نشان دهند که مردان، هیچ برتری نسبت به ایشان ندارند و یکی از راه‌ها؛ آموختن علم است.

به که هر دختر بداند قدر علم آموختن تا نگوید کس، پسر هوشیار و دختر کودن است

(همان: ۳۱۰)

یکی دیگر از مؤلفه‌های سیمای مدرن زن در اشعار فروغ فرخزاد اشاره و تأکید به نقش تربیتی، آموزش و مادرانه‌ی زنان می‌باشد؛ ایاتی که از فروغ در این زمینه یافتیم هرچند اندک می‌باشد، اما او بر این عقیده است که مرحله‌ی کمال زن، مادر شدن است و در این باره عنوان می‌دارد: «وقتی زنی، مادر می‌شود، مفهوم عشق واقعی، مفهوم فناشدن در موجود دیگر را به مرحله کمال رساندن برایش روشن می‌شود.»

فروغ در یکی از مجموعه‌های شعری‌اش با توجه به اینکه بیان زنانه خود را همواره حفظ کرده اما جنبه انفعالی در او غلبه نکرده است؛ او را یک شاعر کوشا می‌بینیم، اما با بسیاری از مایه‌های مادرانه، در غم فرزند، بخشایش‌های مادرانه، حتی وقتی به

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

جامعه می‌نگرد جاهلان را نیز مورد تنفر قرار نمی‌دهد اگرچه در ناخودآگاه از جهل انزجار دارد و گاه، آگاه بیان می‌دارد و به ویژه در گزینش واژه‌های همچون نکبت و ...

(شکسته‌بال و خونین پر، پیر پیر کبوتر جان/فضای نیل وحشت را بدر، بدر کبوتر جان/ببخش دیو-
خویان را بر آنچه مردمی دیدی/ز کافران رنجیدن، حذر حذر کبوتر جان.) (فرخزاد، ۱۳۷۶: ۱۱۵)

مسأله‌ی آموزش و تعلیم زنان از دیگر نمونه‌های فکری و ذهنی طاهره صفارزاده است. او معتقد است که زن عضو اصلی و بسیار مهم جامعه‌ی ایران است. و از اینکه وی با هوش سرشار، به جهل از آموزش محروم باشد، حسرت می‌خورد؛ چرا که این زنان هستند که در دامان خود، انسان‌هایی را پرورش می‌دهند که به عنوان نسل فردای یک جامعه ایفای نقش می‌کنند و اگر از تربیتی صحیح برخوردار نباشند، موجبات عقب‌ماندگی یک ملت را فراهم می‌آورند.

دریغاً تو با ایـن هوش و ادراک به جهل از این فزونتر پایی ای زن
(صفارزاده، ۱۳۸۶: ۳۱)

تا قبل از دوره مشروطه، زنان به صورت رسمی از حق تحصیل محروم بودند؛ بنابراین ملک الشعراى بهار بر لزوم علم آموختن زنان به دلیل نقش مؤثرشان در تربیت نسل آینده تأکید، و آنان را به فراگیری آن تشویق می‌کند؛ چرا که آنان را اصلی‌ترین مربیان جامعه می‌داند:

سوی علم و هنر بشتاب و کن شکر
حجاب شرم و عفت بیشتر کن
که در این دوره والایی ای زن
کنون کآزاده، ره پیمایی ای زن
به کار علم و عفت کوش امروز
که مام مردم فردایی ای زن (بهار، ج ۱، ۱۶۸۰)

وی به نقش مهم علم و دانش و علم‌آموزی زنان برای رسیدن به پیشرفت و توسعه جامعه معتقد است. او در شعر زیر از دختران می‌خواهد به ویژگی‌های خود که نشان از باور سنتی درباره زن دارد، تکیه نکنند و با تغییر در نگرش خود و با کسب علم و دانش، به هویت جدید دست یابند.

تکیه منمای به حسن و جمال ای دختر
ذره‌ای علم گرت در وسط مغز بود
سعی کن در طلب علم و کمال ای دختر
به که در کنج لب‌ت دانه خال ای دختر
بی هنر نیست مؤثر صفت غنچ و دلال
باهر جلوه کند غنچ و دلال ای دختر (بهار، ۱۳۸۸: ۱۰۸۱)

ایرج میرزا معتقد است اگر جان زن‌ها به نور دانش روشن شود، هیچ‌گاه از مسیر عصمت خارج نمی‌شوند:

چو زن تعلیم دید و دانش آموخت
به هیچ افسون ز عصمت برنگردد
رواق جان به نور بینش افروخت
به دریا گر بیفتد تر نگردد (ایرج میرزا، ۱۳۵۳: ۸۳)

نسیم شمال هم راه نجات زنان را کسب علم می‌داند:

ای دختر من راه نجات تو بود علم
شاهد به مقام درجات تو بود علم

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

(نسیم شمال، ۱۳۶۳:۱۲۰)

لاهوتهی زنان را از جهل و بیسوادی برحذر می‌دارد:

اندروین دور تمدن صنما لایق نیست دلبری چون تو ز آرایش دانش به کنار

(لاهوتهی، ۱۳۵۸:۲۷)

نظام وفا در شعری لزوم کسب دانش و معرفت برای زنان را متذکر می‌شود و بر توجه زن به آراستگی معنوی و اخلاقی تأکید می‌کند و حسن ظاهری را در صورت بی بهرگی از حسن باطن، مایه وبال می‌داند و می‌گوید در صورتی که زن به زیور مهر و شرم آراسته گردد، حسن جاوید و زیبایی حقیقی را کسب کرده است:

به خیل جهالت شکست آوریم	بکوشیم و دانش به دست آوریم
به هر کار چیره شود هوشمند	به شوق و جوانی و طبع بلند
دو گوهر برآورده از یک یمند	زن و حسن هریک ز بهر همنند
بیفتند هریک ز فرّ و بها	شوند این دو گوهر از هم جدا
به گیسوی و زلف سیه فام نیست	ولی حسن تنها به اندام نیست
نباشد در اندام و گیسوی و رو	جمالی است دل را که مانند او
برافروزد از شرم و آزرم چهر	دل خود بیاراید از زن ز مهر
فروزانتر از ماه و خورشید اوست	نگارنده حسن جاوید اوست
ولیکن از آن زن که دل روشن است	جمال و بهای جهان از زن است
بدو خوی اهریمنی چیره است	زنی را که از جهل دل تیره است
در آخر جهان را وبال است او(نظام وفا، ۱۳۶۳:۲۴۸)	جهان در جهان گر جمال است او

۳-۴- آزادی حقوق زنان

زن و مرد هر دو انسانند و در انسانیت متساوی و متشابه یعنی در آنچه که به انسانیت انسان مربوط می‌شود، برابر و همانند یکدیگرند ولی در عین حال مرد انسان مذکر است وزن انسان مؤنث و در فطرت و طبیعت زن و مرد تفاوت‌هایی وجود دارد. حقوق بشر می‌گوید انسان بالفطره واجد یک سلسله حقوق و آزادی‌هاست که این آزادی را هیچ فرد یا گروهی نمی‌تواند از فرد یا قومی سلب کند. عدم توجه به وضع طبیعی و فطری زن بیشتر موجب پایمال شدن حقوق او می‌گردد. در نظر گرفتن وضع طبیعی و فطری هر یک از زن و مرد، با توجه به تساوی آنان در انسان بودن و حقوق مشترک انسان‌ها، زن را در وضع مناسبی قرار می‌دهد.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

مری ولستون کرافت استبداد مردانه و فرمان بری زنان را وضعیتی خطرناک می داند: زن برای آن که مادر خوبی باشد باید از درک و استقلال فکری برخوردار باشد و از بین زنانی که آموخته‌اند کاملاً وابسته به همسرانشان باشند، عده‌ی کمی از این ویژگی برخوردارند (ولستون کرافت، م ۱۷۹۲: ۲۴۳). آزادی زن مفهوم دلنشینی است ولی مصادیق آن یک جور نمی‌باشد؛ در اینجا مقصود، حق مقاومت زن در برابر حکومت ظالمانه‌ی مردان است. «هر مزیت و فرصتی که برای مرد وجود دارد در اختیار زن نیز می‌تواند قرار گیرد و تنها زن باید شهامت گرفتن آن را داشته باشد» (فیگز، ۱۳۸۴: ۱۲). به عقیده‌ی سیمون دوووار "فردی که دست به اقدام و عمل می‌زند، در خوب و بد، خود را مسئول می‌شناسد و می‌داند وظیفه دارد که هدف‌ها را تعیین کند و وسیله‌ی رسیدن به آن‌ها را فراهم آورد؛ چنین فردی، در عمل و اقدام، ایهام هر راه حلی را احساس می‌کند؛ عدالت و بی‌عدالتی، بردها و باخت‌ها، به نحوی در هم، با هم درآمیخته‌اند؛ اما هر کسی که دارای حالت انفعالی باشد در بیرون بازی جای می‌گیرد و از اینکه حتی در فکرش هم مسائل اخلاقی را طرح کند استنکاف می‌ورزد" (دوووار، ۱۳۸۵: ۵۱۷).

از زمان محمد علی پاشا در مصر و بعد از آن اسماعیل پاشا، جایگاه زن مورد توجه قرار گرفت و ندای آزادی زن را سردادند. ندای آزادی ابتدا از مصر شروع شد و به دنبال آن کشورهای سوریه، لبنان، و عراق نیز با این حرکت هم صدا شدند (شهاب، ۲۰۰۹: ۵۴۳). همچنین از جمله افرادی که در زمینه‌های مختلف و خصوصاً روزنامه‌نگاری روی کار آمدند و ندای آزادی سردادند، می‌توان، سیدجمال الدین آسد آبادی را نام برد که بر این قول تأکید داشت: امکان خروج از جایگاه‌های پست و حقارت‌آور، زندان جهل و ذلت و پرتگاه‌های ضعف و سستی را تا زمانی که زنان از آزادی و حقوق خویش محروم باشند؛ نداریم. از دیگر افراد حامی حفظ حقوق و آزادی زن، احمد امین با دو کتاب "تحریرالمرأة" و "المرأة الجديدة" است (علیان، ۲۰۰۱: ۱۹۱-۱۹۲).

۴-۴- حقوق و نقش اجتماعی زن در اسلام

اسلام پایه احکام و حقوق مربوط به زن را فطرت وی قرار داده است زیرا وظایف اجتماعی و تکالیف اعتباری که متفرع بر آن است منتهی به طبیعت انسان می‌شود و با توجه به اینکه هر موجودی و از جمله انسان با هدایت تکوینی و فطری بسوی آنچه که مایه کمال اوست رهبری شده لذا با وسایلی که برای رسیدن به مقصد لازم است مجهز گشته است. اعمال حیاتی که انسان را به سعادت می‌رساند کاملاً با دستگاه فطرت آفرینش تطابق دارد آنچه فطرت درباره حقوق اجتماعی افراد اقتضا دارد این است که چون همه انسانها دارای فطرت بشری هستند دارای حقوق مساوی و مشابهی می‌باشند. در اسلام مرد و زن از مواهبی مانند فکر و اراده و اختیار برخوردارند لذا هر دو می‌توانند در تحصیل احتیاجات زندگی که حیات انسانی مبتنی بر آن است فعالیت نمایند زن می‌تواند مانند مرد مستقلاً اراده کند، مستقلاً کار کند و مالک نتیجه کار و کوشش خود شود و نفع و ضرر کارش نیز مربوط به خود وی می‌باشد و حتی می‌تواند در زندگی فردی و اجتماعی تصرفاتی انجام دهد زیرا اسلام زن را از نعمت آزادی و استقلال که تا آن روز صفحات تاریخ از آن خالی بود برخوردار نمود و زن در پرتو این نعمت الهی دارای استقلال اراده و عمل شد.

باری تعالی در آیه ۲۲۳ سوره بقره زن را به وسیله دو صفت، ممتاز و مشخص نموده است:

«نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ وَ قَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ اعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُلَاقُوهُ وَ بَشِّرِ

الْمُؤْمِنِينَ»

(زن همانند کشتزاری است که بقای نوع انسان مبتنی بر وجود اوست همانگونه که دوام و بقای همه موجودات عالم به زمین و محصولات آن متکی می‌باشد.)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اساس وجود زن بر لطافت و حساسیت است لذا از خصوصیات جسمانی و روحانی ویژه‌ای برخوردار است این امر در وظایف و تکالیف اجتماعی وی سهم بسزایی دارد.

بنابراین برای شناخت حقوق زن و نقش وی در کانون خانواده ابتدا باید به شناخت خصوصیات و نیازهای اعضای اجتماع خانواده پرداخت سپس با توجه به استعدادها و احتیاجات این اعضاء قلمرو وظایف و حقوق زن آشکار می‌شود.

سعاد الصباح به عنوان ادیبی روشنفکر معتقد است که منزلت آدمیان به کرامت‌های انسانی آنان است نه به جنسیت. بشر از آن جهت که بشر است و صرفاً به اعتبار انسان بودنش حقوقی دارد و هیچ امری نباید مانع از برخورداری این حقوق شود و کرامت وی باید حفظ گردد. خداوند در قرآن در دستورالعملی که بیانگر احترام به حقوق زنان است، می‌فرماید: **...لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا** **اَكْتَسَبُوا وَّ لِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا اَكْتَسَبْنَ..*** (نساء / ۳۲) در واقع همان طور که مردان می‌توانند از تلاش و کسب خود بهره‌مند شوند، زنان نیز حق این بهره‌برداری را دارند و از این جهت فرقی بین آنها نیست. تفاوت‌های جنسیتی نباید مانع آزادی زن در همه‌ی زمینه‌ها شود؛ چرا که وارد شدن زن در عرصه‌های مختلف جامعه سبب کسب جایگاه واقعی‌اش می‌شود. بنابراین سعاد به عنوان زنی که طرفدار حقوق زنان است، در اشعارش ندای آزادی سر می‌زند و نسبت به قوانین و سنت‌های غلط که زن را محدود می‌کند، اعتراض می‌کند. وی در مصاحبه با «روان الضامن»، دیدگاهش را درباره‌ی آزادی این گونه بیان می‌کند: «به نظر من آزادی، ضد اهمال و سستی و ضد رها شدن و در رفتن و ضد الگو گرفتن از بیگانگان و غربی‌هاست، آزادی آن است که زن آرام گیرد نه اینکه برایش آرامش خواسته شود» (عباسی، ۱۳۹۶: ۸۵). او می‌خواهد بدون هیچ ترس و واهمه‌ای به عنوان زنی آزاد، نظرش را ابراز کند و از پوسته استعمار دربیاید و از حقوقش دفاع کند.

سعاد الصباح در این باره در دیوان «والورود... تعرف الغضب» می‌سراید:

أریدُ أن أقولَ ما أقولُهُ..

من دُونَ أن یتبَعنی السِّیَافُ

ودونَ أن أدفَنَ فی قبرٍ من العادات، والأعراف! (الصباح، پ ۲۰۰۵: ۲۳۳).

سعاد الصباح در پی جامعه‌ای است که در آن، زن به جرم دفاع از حقوق طبیعی‌اش مجازات نشود و آزادی بیان در آن معنا داشته باشد:

وأحاولُ أن أكتشفَ جزیرةَ

لا تشنُقُ أشجارَها بتهمةِ العمالةِ

ولا تعتقلُ فراشاتِها بتهمةِ كتابةِ الشعرِ! (همان: ۳۰).

در پی کشف جزیره‌ای هستم / که درختان آن به اتهام اعدام نشوند / و پروانه‌ها به اتهام سرایش شعر زندانی نشوند. سعاد الصباح در اشعارش می‌خواهد دیوار سکوت و سکون را درهم شکند؛ او از ساکن ماندن و دور از اجتماع زندگی کردن خسته شده و با جرأت و جسارت می‌خواهد توانایی‌های خود را به عنوان یک زن در مرکزیت توجه قرار دهد:

أریدُ أن أعیشَ تحتَ معطفِ المَنونِ

أریدُ أن أعیشَ فی دائرةِ الزلزالِ

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

لا دَائِرَةَ السُّكُونِ
أُرِيدُ أَنْ أَعِيشَ فِي عُيُونِ النَّاسِ
لا عُيُونِي... (همان: ۲۲۹).

می‌خواهم زیر سایه روزگار زندگی کنم / می‌خواهم در دایره زلزله‌ها زندگی کنم / نه دایره سکون / می‌خواهم در چشمان مردم زندگی کنم / نه چشمانم!

او با بیان این که می‌خواهد در میان مردم زندگی کنم نه در لاک خود، می‌خواهد ندای آزادی را فریاد بزند و به نادیده گرفتن زن اعتراض کند و از این سنت‌های غلط که زن را در خانه محبوس می‌کند و به حاشیه می‌راند و هم و غم او را آرایش تن می‌داند، فرار کند:

أُرِيدُ أَنْ أَصْرُخَ
أَنْ أَلْعَنَ
أَنْ أحتَجَّ

أَنْ أَقتُلَ تَارِيخًا مِنَ العُطُورِ، وَ البُخُورِ، وَ السَّبَايَا.
أُرِيدُ أَنْ أَهْرَبَ مِنْ رُطُوبَةِ الحَرِيمِ، وَ التَّكَايَا
أُرِيدُ أَنْ أَهْرَبَ مِمَّنْ حَلَّلُوا دِمَايَا. (همان: ۲۳۴).

می‌خواهم که فریاد بزنم / لعنت کنم / اعتراض کنم / و تاریخی از عطرها و بخارها و اسیران را نابود کنم / می‌خواهم که از رطوبت حریم خانه و خانقاه‌ها فرار کنم / می‌خواهم که از کسانی که خون‌ها را حلال کردند بگریزم.
یکی از نشانه‌های آزادی زن، نوشتن است. سنت‌های غلط جاهلی، آگاهی و دانش و نوشتن را برای زن همچون خطری می‌دانند که امنیت ملی و استعمار مرد را تهدید می‌کند.

فوزیه ابوخالد در اشعار خود به رنج و مشقت زنان و زایل شدن حقوق آنان می‌پردازد و خواستار آزادی زنان و بازپس‌گیری حقوقشان است. او از وضعیت اسفناک جامعه زنان گله مند است. اگر به ابیات زیر نظری بیفکنیم درمی‌یابیم که وی شاعری معترض بر وضع حاکم بر جامعه‌اش است. آنجا که می‌گوید:

أحس أنني مضمغوظه داخل جسدي / فلو أنني اتنفس بعمق لتشقق بشرتي. (ابوخالد، ۱۹۹۵: ۷)

حس می‌کنم که در داخل جسمم تحت فشار هستم / طوری که اگر نفس عمیق بکشم پوستم پاره می‌شود. شاعر بین زن و جامعه‌اش یک درگیری را به تصویر می‌کشد و این یک نوع تنش و کشمکش بین فرد و جامعه است، جامعه‌ای که طغیانگر است به نحوی که فرد (زن) اجازه ندارد دم برآورد و می‌گوید حتی جرأت این را که نفس عمیق هم بکشم ندارم زیرا بیم از آن دارم که پوستم بدرد. شاعر بصورت پوشیده مفهوم دربند بودن زن را با ترسیم پارگی جسمش به تصویر کشیده است.
او در سروده‌ای تحت عنوان «قفس» از نماد گنجشک استفاده کرده و از گرفتار بودن زنان در بند ظلم، شکوه سر می‌دهد و می‌گوید:

«تؤلمني هذه العصافير / المزعجة كلما خبطت أجنحتها في الفضاء / و راحت تغني / و كأنها تسخر من سطوتي / أو تظنني / وحدى في الحصار» (الموسوعة العالمية للشعر العربي)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

این گنجشکان مزاحم دل را به درد می‌آورد / هر بار که در فضا بال می‌گشاید / و شروع به آواز می‌کند / گویی شکوه مرا به تمسخر می‌گیرد / یا گمان می‌برد تنها من در حصارم. فوزیه در این قصیده از اینکه زن سعودی در بند است و زنان بسیاری از جوامع آزادند، ابراز دردمندی می‌کند و گویی به آزادی آنان رشک می‌ورزد و از اینکه آنان وی را در حصار می‌بینند و به تمسخر می‌گیرند، آزرده خاطر گشته است. به هر حال او از رنجی که زنان به بهانه صیانت از آنان متحمل می‌شوند رنج می‌برد و از حصار بودن آنان در قفس ساختگی و تنهایی بی‌زاری می‌جوید. معروف رصافی نیز، بر رفع تبعیض از زنان در برابر مردان تأکید دارد:

وَ قَالُوا شَرَعَهُ الْإِسْلَامُ تَقْتَضِي
وَ قَالُوا الْجَاهِلَاتُ أَعَفُّ نَفْساً
لَقَدْ كَذَّبُوا عَلَى الْإِسْلَامِ
أَلَيْسَ الْعِلْمُ فِي الْإِسْلَامِ فَرَضاً

بتفضیل الذین علی اللواتی
عن الفحشاء من المتعلمات
تَزُولُ الشُّمُّ مِنْهُ مَزَلْزَلَاتٍ
علی أبنائه و علی البنات (الرصافی، ۲۰۰۰: ۴۷۲)

- گفتند که دین اسلام، مردان را بر زنان برتری داده است.
- گفتند که زنان بی‌سواد، پاک دامن تر از زنان دانش آموخته می‌باشند.
- دروغ‌هایی به اسلام نسبت داده‌اند، که حتی انسان بزرگوار نیز از شنیدن آن، دچار تردید می‌شود.
- مگر در دیدگاه اسلام، آموختن دانش به پسران و دختران واجب نشده است؟

در این بخش با تکیه بر اشعار معروف‌ترین شاعران فارسی‌زبان عصر حاضر، به بررسی و تبیین سیمای مدرن زن خواهیم پرداخت تا با چگونگی افکار و نگرش‌های آنان با توجه به محیطی که در آن زیست نموده‌اند، آشنایی یابیم.

اسلام در مسائل سیاسی و اجتماعی، برای زن شخصیت مستقل حقوقی قائل است. دخالت زن را مانند مرد در تمام فعالیت‌های اجتماعی و شئون سیاسی جایز می‌داند و هیچ فرقی بین آن دو از این جهت نمی‌گذارد. مشارکت زنان در فریضه امر به معروف و نهی از منکر، بیعت، هجرت و دیگر فعالیت‌های اجتماعی هم پای مردان در عصر رسالت، دلیل احترام پیامبر (ص) به حقوق و مقام زنان در حوزه عمومی است. زنان در بیعت‌های پیامبر (ص) با مسلمانان حضور داشته‌اند که بیعت عقبه از همه مشهورتر می‌باشد. (آیتی، ۱۳۶۲: ۳۲۴)

حقوق سیاسی، اجتماعی و فرهنگی زن که امروزه تحت عنوان فمینیسم خوانده می‌شود، سابقه طولانی در تاریخ اندیشه غربی به شکل مدون ندارد. این جنبش از اواسط قرن بیستم به شکل جدی و گسترده مطرح می‌شود (پین، ۱۳۸۲: ۷۸۰) و قبل از آن رساله «مری ولستون کرافت» را که تحت عنوان «اثبات حقوق زنان» به سال ۱۷۹۲ و در بحبوحه انقلاب فرانسه منتشر می‌شود، اولین رساله فمینیستی می‌خوانند که نویسنده زن آن، خواهان برابری اجتماعی و تحصیلی زنان با مردان است (آفاری، ۱۳۸۵: ۱۶۰)

یکی از مهم‌ترین موضوعاتی که بین نوگرایان، موافقان و مخالفان مشروطه مطرح شد، مساله آزادی زنان، به ویژه حق رأی ایشان بود. نوگرایانی مانند آخوندزاده و طالبوف به آزادی حداکثری و حضور فعال زن در اجتماع باور داشتند و برخی مشروطه خواهان نیز از این عقیده به شکل محدودتری حمایت می‌کردند. (یزدانی، ۱۳۸۶: ۲۵۲)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

«خاستگاه شعر سیمین عشق و آرمان‌گرایی است. عشق به آزادی و برابری به ویژه برابری زن و مرد. او بی‌آنکه در صدد صدور بیانیه‌ی سیاسی در شعر باشد شاعری ست معترض. او به مدد عشق و با زبان عشق به نابرابری‌ها اعتراض می‌کند» (دهباشی، ۱۳۸۳: ۳۲۷).

سیمین در کولی‌واره‌ها می‌خواهد زن را به تغییر دادن زندگی و تاریخ خود تشویق کند و او را از اسارت تاریخی خود برهاند. آزادی و آزادی‌مهم‌ترین ویژگی کولی سیمین است. در واقع کولی اسطوره‌ی آزادی زن ایرانی می‌شود تا استقامت و پایداری را به او بیاموزد. او نمی‌خواهد در بند کسی و یا چیزی باشد:

چون غزالانِ خانگی	بندی‌ی خواجه نیستی
جان آهوی دشت را	الفتی با حصار نیست
با گل باغ و بوستان	این غریبی تو را رواست
هفت رنگ است سبزه‌اش	ساده چون مرغزار نیست
تلخ پرورد کاسنی	در دل درّه بوده‌ای
عطر شیرین اطلسی	با تنت سازگار نیست (بهبهانی، ۱۳۹۴: ۶۵۳).

سیمین در زبان اشعارش نیز می‌خواهد این آزادی و استقلال را ابراز دارد. او قصد رها شدن از دنیا و نظام زبانی مردسالارانه را دارد. وی می‌خواهد مرزها و محدودیت‌های به وجود آمده برای زنان را با شعرش از بین ببرد. شکستن سکوت را با بیان عواطف زنانه انجام می‌دهد:

این صدای شکفتن را	از بهارِ تنم بشنو:
هر جوانه، به آوازی	گویدت که «منم»، بشنو
هر جوانه، به آیینی	شد شکوفه‌ی پروینی
مست جلوه اگر گفتم	«شاخ نسترنم»، بشنو
وای حیف حریفان را	با رها شدنم بشنو. (همان: ۷۰۲).

ابوالقاسم لاهوتی (۱۳۰۵ق - ۱۳۳۶ش) در قصیده «به دختران ایران»، مفهوم نگاه نو به زنان و نقش آنان در اجتماع را نشان می‌دهد. در این شعر او معیارهای زیبایی‌شناسانه سنتی درباره معشوق برای دنیای جدید را بی‌فایده دانسته و از منظر تجدد، او را به ترک قید و بندهای سنت - البته به باور خود - فرامی‌خواند:

من از امروز ز حُسن تو بریدم سر و کار	گو به دیوانگی ام خلق نمایند اقرار
تاکنون پیش تو چون بنده به درگاه خدا	لابه‌ها کردم و بر خاک بسودم رخسار
لیکن امروز مجدّانه و رسمانه تو را	آشکارا سخنی چند بگویم، هس دار
تا کی از زلف تو زنجیر نهم بر گردن	تا کی از مژه تو تیر زخم بر دل زار
مدح تو بیشتر از هر که توانم گویم	لیکن اینها همه حرف است و ندارد مقدار
عاشقان خط و خال تو بدآموزانند	دیگر این طایفه را راه مده بر دبار

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

اندر این دوره تمدن صنما لایق نیست
نگ باشد که تو در پرده و خلقی آزاد
ترک چادر کن و مکتب برو و درس بخوان
دانش آموز و ز احوال جهان آگه شو
پسر و دختر خود را شرف و کار آموز
سخن از دانش و آزادی و زحمت می گوی
به یقین گر تو چنین مادر خوبی باشی
(کریمی حکاک، ۱۳۸۴: ۳۳۷)

دلبری چون تو ز آرایش دانش به کنار
شرم باشد که تو در خواب و جهانی بیدار
شاخه جهل ندارد ثمری جز ادبار
وین نقاب سیه از روی مبارک بردار
تا بدانند بود مفت خوری ذلت و عار
تا که فرزند تو با این سخنان آید بار
مس اقبال وطن از تو شود زر عیار

از خوانش قصیده بالا، به ضرورت روی آوردن تجدد از نظر ابوالقاسم لاهوتی پی می‌بریم. او به یکی از مهم‌ترین جلوه‌های تجدد، یعنی نقش زن در اجتماع که روشنفکران و شاعران از آن تحت عنوان حقوق زن نام می‌بردند، اشاره می‌کند. تجدد از نظر اینان چرخش و دگردیسی در نوع نگاه به پدیده‌هایی است که تاکنون به شکل سنتی به آنان نگریسته شده است. سفر آنان به غرب و ملاحظه زنان غربی و آزادی اجتماعی، سبب شد برخی به این نتیجه برسند که یکی از عوامل رشد و توسعه فرهنگی و اجتماعی غرب، حضور زنان در حوزه اجتماع و سیاست است (محمدخانی، ۱۳۸۴: ۴۲۸)

ایرج میرزا نیز وضع زنان در جوامع غربی را با جامعه ایران مقایسه می‌کند و خواستار مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های اجتماعی است.

در این محنت سرا سربار مرد است
به هر جا زن بود هم پیشه با مرد
عارف قزوینی در اعتراض به نظام اجتماعی نابرابر و ضد زن، زنان را تشویق می‌کند تا حقوق خود را از مردان بگیرند. او خود را پیشوای بانوان در مبارزه علیه نابرابری‌ها می‌داند و درصدد براندازی نظام‌های زورگو و مرد سالار است.

در این میان من و صد دشت زن سپاه من است
در این میان من و صد دشت زن سپاه من است
حقوق خویش ز مردان اگر زنان گیرند
حقوق خویش ز مردان اگر زنان گیرند
(عارف قزوینی، ۱۳۸۹: ۶)

فروغ فرخزاد نسبت به مسائل اجتماعی دوره خود دیدی حساس و انتقادی دارد. یکی از درگیری‌های او با قوانین و عرفیاتی است که در مجموع، به ضرر زنان است. او گاهی در مقام یک زن عاصی و سرکش و از طرفی، روشنفکر که حاضر نیست به زندگی عادی و مظلومانه زن ایرانی تن در دهد، با قوانین و عرف درگیر می‌شود و این یکی از زمینه‌های اصلی شعر اوست. نامه او به مدیر "مجله امید ایران" که در آن آرزوی خود را درباره زنان بیان کرده است، نشان دهنده بینش و شیوه تفکر او در سال‌های ۳۳-۱۳۳۲ است؛ «آرزوی من آزادی زنان ایران و تساوی حقوق آن‌ها با مردان است. من به رنج‌هایی که خواهرانم در این مملکت و در اثر بی عدالتی‌های مردان می‌برند، کاملاً واقف هستم و نیمی از هنرم را برای تجسم دردها و آلام آن‌ها به کار می‌برم» (فرخزاد، ۱۳۳۴: ۲۸)

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

او در چهارپاره "به خواهرم" که در آن مقصود از خواهرم تمام زنان ایرانی و حتی زنان شرقی است، زنان را به مبارزه برای آزادی، ظلم ستیزی و انتقام جویی از مردان زورگو دعوت نموده و آن را به تمام زنهایی که در حسرت آزادی‌اند، تقدیم می‌کند:

خیز از جای آزادی خویش خواهر من ز چه رو خاموشی

خیز از جای که باید زین پس خون مردان ستمگر نوشی (همان: ۸۱)

فروغ به عنوان یک زن در پی آزادی زنان جامعه‌ای است که از سر تا پای آن را خودخواهی مرد در برگرفته است و از مرد می‌خواهد که او را از زندان خواری و تحقیر رهایی بخشد، تا صدایش را به گوش تمام مردم عالم برساند:
به لب‌هایم مزن قفل خموشی / که من باید بگویم راز خود را / بیا ای مرد، ای موجود خودخواه / بیا بگشای درهای قفس را / اگر عمری به زندانم کشیدی / رها کن دیگرم این یک نفس را / بیا بگشای در تا پر گشایم / به سوی آسمان روشن شعر (فرخزاد، ۱۳۸۱: ۳۷)

یکی از مؤلفه‌های شعری در سروده‌های ژاله قائم مقامی اعتراض به نبودن آزادی‌های مشروع برای زنان است؛ او در شعری با عنوان «پیش‌گویی درباره آزادی زنان» خود را در مقام یکی از جنس زنان، برده‌ای در آرزوی آزادی دانسته و آن را مرهم دل رنجور و خسته می‌داند:

بسته در زنجیر آزادی ست سر تا پای من برده‌ام ای دوست و آزادی بود مولای من

چیست آزادی؟ ندیدم، لیک می‌دانم که اوست مرهمی راحت‌رسان بر زخم تن فرسای من

(قائم مقامی: ۱۳۹۱: ۶۲)

او زنان را از منفعل بودن، بی تحرکی و بی ارادگی برحذر می‌داند و آنان را به نهضت و انقلابی برای بدست آوردن حقوق از دست رفته خویش فرامی‌خواند. به باور شاعر، همگان باید به زن در مقام قشری انسانی، که منشأ بسیاری از آگاهی‌ها و آزاداندیشی‌هاست، توجه کنند:

دست و پای، همتی، شوری، قیامی، کوششی شهر هستی، جان من، جز عرصه ناورد نیست
آخر ای زن، جنبشی گن تا ببینند عالمی کان چه ما را هست، هم زان بیش تر در مرد نیست (همان: ۴۹)

ژاله از جنبش دفاع از حقوق زنان در غرب سخن می‌گوید و چنین جنبشی را در ایران نمی‌بیند:

اجتماعی هست و نیرویی زنان را در فرنگ در دیار ما هم از زن جمع گردد، فرد نیست (همان: ۴۷)

هم‌چنین در بیتی دیگر، در همین زمینه می‌گوید:

نغمه آزادی نوع زن از مغرب زمین سوی شرق آید ولی خالی است از من جای من (همان: ۱۰۸)

نتیجه‌گیری

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

الف) در خصوص سیمای سنتی زن در جامعه عربی و فارسی با تکیه بر اشعار شاعران مذکور می‌توان چنین ذکر نمود که با توجه به فرهنگ مردسالارانه‌ای که در جوامع سنتی این سرزمین‌ها و نیز دیدگاه تحقیرآمیز نسبت به زنان حاکم بوده است، لذا مجال هیچ‌گونه فعالیتی را برای زن باقی نمی‌گذاشت؛ این امر ناشی از تقید به سنت‌ها و آداب و رسوم بود که جامعه مردسالار بر زنان مستولی ساخته بود و آنان را مجبور به خانه‌داری، شوهرداری صرف می‌نمود. شعر و ادب عربی و فارسی نیز متأثر از فضای چنین جامعه‌ای شکل می‌گیرد و عمدتاً شاعرانی چون شاعران مذکور، زن را به عنوان فردی مطیع و تابع می‌نگرند و در اشعار و آثارشان سیمای سنتی زن را به تصویر می‌کشند؛ سیمایی که آنان در اشعارشان اتخاذ می‌کنند، این است که از یک سو، زنان در آن تنها در قالب شخصی مطیع که همواره از همسر خویش فرمانبرداری می‌کند و در تمام عرصه‌ها مقاوم و پایدار هستند، ایفای نقش می‌کنند و از سوی دیگر برای فرزندان خویش تنها به عنوان مادری مهربان انجام وظیفه می‌کنند و در تربیت و آموزش آن‌ها هیچ مهارت و دخالتی ندارند؛ چرا که خود آموزشی ندیده‌اند که شیوه‌ی تربیت صحیح را بدانند و از این طریق بتوانند با بکار بستن آن در تربیت فرزندان خویش، مؤثر و کارآمد باشند.

حال با توجه به نتایج حاصل از سیمای سنتی زن می‌توان چنین استنباط نمود که دو فرهنگ و جامعه‌ی عربی و ایرانی که به‌وسیله‌ی مردان و برای مردان شکل گرفته بوده است، مجال هیچ‌گونه تغییر در این روند و بروز و حضور زن را نداده است؛ به‌طوری‌که زن تنها محدود به تعریف در دایره‌ی سنت بود و بس.

ب) در خصوص سیمای مدرن در جامعه‌ی عربی و فارسی با تکیه بر اشعار شاعران مذکور می‌توان چنین ذکر نمود که با تغییر نگرش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و ... دیدگاه و نگرش به زن و جایگاه او تغییر یافت، به گونه‌ای که دیگر او به وسیله‌ی دیدگاه‌های سنتی تعریف نمی‌شد، سیمای او تغییر کرده و سیمای مدرن او شکل گرفت.

اما آنچه شاعران مذکور به دنبال آن هستند، این امر می‌باشد که آنان در خصوص زنان، به طرح سیما و موجودیت مستقلی دست بزنند، چرا که از نظر آنان زمان آن به پایان رسیده است که موجودیت زن در ارتباط با مرد تعریف شود، پس آن‌ها در پی آن هستند که این امکان را فراهم نمایند تا زنان بتوانند جایگاه شایسته‌ی خویش را در جامعه یافته و صدای خود را در عرصه‌های مختلف به گوش دیگران برسانند.

حال از منظر هر یک از شاعران دستیابی زنان به سیمای مدرن می‌تواند از دو جهت مورد توجه و مهم تلقی شود؛ اولاً این دگرگونی در فکر و اندیشه و رشد و پویایی آن‌ها، مسیر زندگیشان را تغییر داده و ثانیاً به طور گسترده و عمیقی توانمندی آن‌ها بر روی خانواده چه در ارتباط با همسر و چه در خصوص تعلیم و تربیت فرزندان تأثیرگذار خواهد بود. در میان دیگر ویژگی‌هایی که این شاعران برای زن مدرن قائل هستند، می‌توان به اعتراض آن‌ها به داشتن حقوق مساوی بین زن و مرد و باز یافتن حقوق تضییع‌شده‌ی آن‌ها، و فعالیت در عرصه‌های اجتماعی و فرهنگی و .. اشاره نمود.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

فهرست منابع

- ۱- قرآن کریم
- ۲- احمدی خراسانی، نوشین، (۱۳۸۰ هـ.ش)، *زنان زیر سایه پدرخوانده‌ها*، تهران: توسعه.
- ۳- الرصافی، معروف عبدالغنی، (۱۹۹۹م)، *الديوان، (المجموعه الكامله)*، بیروت: مكتبة الحياة.
- ۴- رضایی، ابوالفضل، (۱۳۸۶ هـ.ش)، *الوجيز في تاريخ الأدب العربي*، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی.
- ۵- زاهدی، سعید، خواجه‌نوری، بیژن، (۱۳۸۴ هـ.ش)، *جنبش زنان در ایران*، شیراز: ملک سلیمان.
- ۶- صفارزاده، طاهره، (۱۳۸۶ هـ.ش)، *مجموعه اشعار طاهره صفارزاده*، تهران: هنر بیداری.
- ۷- عباسی، حسین، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *گام‌های بلند اما محتاطانه*، روزنامه جام‌جم.
- ۸- علی‌نیا، بتول، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *پروین و نازک*، تهران: ماه‌رنگ.
- ۹- فاختوری، حنا، (۱۴۲۲ هـ.ق)، *الجامع في تاريخ الأدب العربي*، قم: منشورات ذوی القربی.
- ۱۰- فهمی، جدعان، (۱۹۹۸م)، *أسس التقدم عند مفكری الإسلام في العالم العربي الحديث*، عمان: دارالشروق.
- ۱۱- قبانی، نزار، (۱۹۹۵م)، *الأعمال الشعرية الكاملة*، بیروت: منشورات نزار قبانی.
- ۱۲- مصفا، عبدالحسین، (۱۳۸۳ هـ.ش)، *زن، پروین، حقیقت یا مجاز*، تهران: محیا.
- ۱۳- الملائکه، نازک، (۱۹۹۸م)، *ديوان*، بیروت: دارالعودة.
- ۱۴- میرلوحی، سیدعلی، (۱۳۸۱ هـ.ش)، *مختارات من روائع الأدب العربي في العصر الإسلامي*، تهران: سمت.
- ۱۵- الصباح، سعاد، (۲۰۰۵م)، «آ» *ديوان خذني ألى حدود الشمس*، ط ۳، الكويت، دار سعاد الصباح للنشر و التوزيع.
- ۱۶- طوقان، فدوی، (۱۹۹۳)، *الأعمال الشعرية الكاملة*، بیروت: المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ۱۷- گرین، کیت و لبیهان، جیل (۱۳۸۳)، *در سنامه نظریه و نقد ادبی*، ترجمه فاطمه حسینی، چاپ اول، تهران: روزنگار.
- ۱۸- حافظ، ابراهیم، (۱۹۹۸)، *ديوان*، شرح یحیی شامی، بیروت: دارالفکر العربی.
- ۱۹- شوقی، احمد، (۱۴۲۸ هـ.ق)، *الشوقيات*، تصحیح یوسف الشیخ محمد البقاعی، بیروت، دارالکتاب العربی.
- ۲۰- التیموری، عائشه، (۱۳۰۳ق)، *ديوان شعر*، مصر، الطبعة الشرفیة العامرة.
- ۲۱- ابو خالد، فوزیه، (۱۹۹۵)، *ماء السراب*، الطبعة الأولى، بیروت: دارالجدید.
- ۲۲- آذرشب، محمدعلی، (۱۳۷۷ هـ.ش)، *الأدب العربي و تاريخه نهايته العصر الأموي*، تهران: سمت.
- ۲۳- _____، _____، (۱۳۸۵ هـ.ش)، *مقاله اصالت و وابستگی در ادبیات معاصر عرب*، تهران: دانشگاه شهید بهشتی.
- ۲۴- بهار، محمدتقی، (۱۳۸۸)، *ديوان اشعار ملک الشعرا بهار*، چاپ دوم، تهران: نگاه.
- ۲۵- ایرج میرزا، (۱۳۵۳)، *ديوان*، به اهتمام جعفر محجوب، چاپ سوم، تهران: اندیشه.
- ۲۶- نسیم شمال، (۱۳۶۳)، جاودانه سید اشرف الدین گیلانی، به کوشش حسین نمینی، چاپ اول، تهران: کتاب فروزان.
- ۲۷- عارف قزوینی، (۱۳۸۹)، *ديوان اشعار*، به کوشش مهدی نور محمدی، چاپ اول، تهران: سخن.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and Research in Persian culture, language and literature

- ۲۸- فرخزاد، فروغ، (۱۳۳۴)، *زیباترین اشعار فروغ*، به کوشش سید هادی حائری، تهران: آرمان.
- ۲۹- _____، (۱۳۸۱)، *دیوان فروغ فرخزاد*، تهران: جاجرمی، چاپ سوم.
- ۳۰- _____، (۱۳۷۶ ه.ش)، *مجموعه اشعار فروغ*، تهران: نگاه نو.
- ۳۱- دووبوار، سیمون، (۱۳۸۵)، «جنس دوم»، مترجم: قاسم صنعوی، چاپ هفتم، جلد دوم، تهران: نشر توس.
- ۳۲- دهباشی، علی، (۱۳۸۳)، «زنی با دامنی از شعر»، چاپ اول، تهران: نگاه.
- ۳۳- فیگز، کیت، (۱۳۸۴)، «زنان و تبعیض»، مترجمان: اسفندیار زندپور، به دخت مال امیری، چاپ اول، تهران: گل آذین.
- ۳۴- شهاب، خدیجه، (۲۰۰۹م)، «حقوق الإنسان فی روایات عبدالرحمن منیف»، الطبعة الأولى، بیروت - لبنان، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ۳۵- عباسی، مسلم، (۱۳۹۶)، «بررسی جلوه‌های عشق در شعر سعادت الصباح»، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه رازی، کرمانشاه.
- ۳۶- بهبهانی، سیمین، (۱۳۹۴)، «مجموعه اشعار: دفتر اول»، چاپ هفتم، تهران: مؤسسه انتشارات نگاه.
- ۳۷- یزدانی، سهراب، (۱۳۸۶)، *صور اسرافیل: نامه آزادی*، چاپ اول، تهران: نشر نی.
- ۳۸- آفاری، ژانت، (۱۳۸۵)، *انقلاب مشروطه ایران*، ترجمه رضا رضایی، چاپ سوم، تهران: نشر بیستون.
- ۳۹- کریمی حکاک، احمد، (۱۳۸۴)، *طلیحه تجدد در شعر فارسی*، ترجمه مسعود جعفری، چاپ اول، تهران: نشر مروارید.
- ۴۰- محمدخانی، علی اصغر، (۱۳۸۴)، *شاعر مردم (یادنامه سید اشرف الدین حسینی)*، چاپ اول، تهران: انتشارات سخن.
- ۴۱- علیان، حسن، (۲۰۰۱م)، «البطل فی الروایة العربیة فی بلاد شام منذ الحرب العالمیة الأولى حتی عام ۱۹۷۳م»، الطبعة الأولى، بیروت، المؤسسة العربية للدراسات و النشر.
- ۴۲- قائم مقامی، عالمتاج (ژاله)، (۱۳۹۱)، *دیوان*، با مقدمه پژمان بختیاری، تهران: گل آذین.
- ۴۳- معروف الرصافی، (۲۰۰۰)، *دیوان*، بیروت: دارالعودة.
- ۴۴- آیتی، محمد ابراهیم، (۱۳۶۲)، *تاریخ پیامبر اسلام*، تهران: دانشگاه تهران.
- ۴۵- اعتصامی، پروین، (۱۳۸۳ ه.ش)، *دیوان شعر*، به کوشش محمد عالمگیر تهرانی، چاپ یازدهم، تهران: محمد.
- ۴۶- منصوری لاریجانی، اسماعیل، (۱۳۷۶)، *زن و دفاع در اسلام*، تهران: کنگره بررسی نقش زنان در دفاع و امنیت.
- ۴۷- هنرمندی، حسن، (۱۳۷۷)، *هراس*، چاپ اول، تهران: انتشارات تابش.
- ۴۸- توللی، فریدون، (۱۳۴۱)، *مجموعه شعر نافه*، چاپ اول، تهران.
- ۴۹- آرانی، نظام وفا، (۱۳۶۳)، *دیوان*، به کوشش احمد کرمی، چاپ اول، سلسله نشریات ما.
- ۵۰- آفاری، ژانت، (۱۳۷۷ ه.ش)، *انجمن سرّی زنان در نهضت مشروطه*، ترجمه جود یوسفیان، تهران: بانو.
- ۵۱- اکبری بیدق، حسن، (۱۳۷۹ ه.ش)، *مبانی فکری ادبیات مشروطه*، تهران: پایا.
- ۵۲- بشیریه، حسین، (۱۳۷۴ ه.ش)، *جامعه‌شناسی سیاسی*، تهران: نی.

چهارمین کنفرانس ملی نوآوری و تحقیق در فرهنگ، زبان و ادبیات فارسی

The 4th National Conference on Innovation and
Research in Persian culture, language and literature

- ۵۳-حساوی، محمدجواد، (۱۳۷۷ هـ.ش)، *نقد و تحلیل شعر معروف الرصافی*، پایان نامه کارشناسی ارشد، دانشکده ادبیات تهران: دانشگاه تربیت مدرس.
- ۵۴-دل ریش، بشری، (۱۳۷۶ هـ.ش)، *زن در دوره قاجار*، تهران: سازمان تبلیغات اسلامی.
- ۵۵- زیاده، می، (۱۹۸۳ م)، *عائشه تیمور (شاعرة الطلیعة)*، الطبعة الثانية، بیروت: مؤسسه نوفل.
- ۵۶- تیمور، عائشه، (۱۸۸۶ م)، *حلیة الطراز (دیوان عربی)*، قاهره: بدون مطبعة.
- ۵۷- حاوی، خلیل، (۱۹۷۹)، *دیوان الرعد و الجریح*، بیروت: دارالعودة.
- ۵۸- حمود، محمدالعبد، (۱۹۹۶)، *الحدائث فی الشعر العربی المعاصر*، بیروت: الشركة العالمية للكتاب، چاپ اول.
- ۵۹- هراتی، سلمان، (۱۳۶۸)، *از آسمان سبز تهران*، حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی.